

درگیری های شدید حکومتی ادامه دارد!

*** خامنه ای مخالفینش را فربه هائی نامید که حرفهای اسرائیل و آمریکا را میزنند**
*** یک نماینده مجلس: حزب الله دارد حذف میشود**



علیرغم بازگشائی سفارتخانه ها

مبادله اسرا همچنان متوقف مانده است

سفراتخانه ها رفت و آمد مقامات دو کشور و درخواست های آنان از یکدیگر نیز افزایش یافته است. اما هنوز مبادله اسرای دو کشور علیرغم توافق هایی که چند بار اعلام شده، از سر گرفته نشده است. محمد علی نظریان نماینده جمهوری اسلامی در مبادله اسرا، هفته گذشته اعلام داشت که هنوز هزاران اسیر ایرانی در عراق به سر می برند که دولت بغداد اسامی همه آنها را به حکومت اسلامی اطلاع نداده است. وی وعده داد که بزودی ۲۳۰ تن دیگر از اسرای ایرانی به میهن خود باز خواهند گشت. اما تاریخی برای بازگشت آنان ذکر نکرد. هفته گذشته هم چنین دولت اسلامی از عراق

با بازگشایی سفارتخانه های ایران و عراق، روابط سیاسی رسمی دو رژیم که ۸ سال علیه یکدیگر جنگیده بودند، وارد مرحله تازه ای شد. در مراسم بازگشایی سفارت جمهوری اسلامی در بغداد، که هفته گذشته صورت گرفت ابوالقاسم شمععی کاردار سفارت گفت: بازگشایی سفارت پیام آور گام برداشتن ایران و عراق در مسیر گسترش همکاری های ثمر بخش دو کشور اسلامی و هماهنگ ساختن مواضع به منظور رویارویی با استکبار جهانی است که مقدسات اسلامی و امنیت منطقه را به خطر انداخته است.

همراه با بازگشایی

تروریست های جمهوری اسلامی همچنان به آدم کشی ادامه میدهند

دکتر سیروس الهی در پاریس ترور شد

با احمدی در دوی ترور شده بود. طی دو سال اخیر آدم کشان رژیم اسلامی چندین تن از مخالفین خود در خارج از کشور از جمله دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دموکرات کردستان، دکتر کاظم رجوی از مخالفین سرشناس رژیم، صدیق کمانگر و قلامرضا کشاورز از مخالفین گروه های چپ و بالاخره خانم هفت قاضی همسر یکی از

و ضمن هشدار دادن نسبت به ادامه این گونه جنایات اعلام داشت روز دوشنبه هفته گذشته حدود ۴۰ تروریست جمهوری اسلامی به آنگار رفته و از آنجا به گروه های کوچکی تقسیم شده اند، که یک گروه از آنها به پاریس رفته است. دکتر سیروس الهی، چندین قربانی تروریست های حکومت اسلامی در خارج از کشور است. سال گذشته یکی دیگر از مخالفین این سازمان بنام سرهنگ عطاالله

دوشنبه هفته گذشته، جنایت تازه ای به وقوع پیوست و دکتر سیروس الهی از رهبران سازمان درفش کاویانی در مقابل خانه اش در پاریس ترور شد. در میان نیروهای اپوزیسیون تردیدی وجود ندارد که این جنایت توسط تروریست های رژیم اسلامی صورت گرفته است. سازمان درفش کاویانی با صدور بیانیه ای این جنایت را به شدت محکوم کرد

شکست بی نظیر بوتو در انتخابات پاکستان

داشت انجامید. برنده این انتخابات، "اتحاد جمهوری اسلامی" به رهبری نواز شریف بود. این ائتلاف توانست اندکی کمتر از نصف تعداد کرسی های مجلس پاکستان را به خود اختصاص دهد. پیش بینی می شود "اتحاد جمهوری اسلامی" بتواند با جلب حمایت تعدادی نماینده منفرد، دولت جدید پاکستان را تشکیل دهد. مبارزه انتخاباتی "اتحاد جمهوری اسلامی" که از پشتیبانی ارتش و قلام اسحاق خان رییس جمهوری برخوردار بود، حول دو محور همده پیش رفت: اتهاماتی که متوجه بی نظیر بوتو و خانواده اش شده و از جمله، همسر بوتو را باکیفرخواستی تحت عنوان فساد روبرو کرده است، و نیز تبلیغات تحریک آمیز علیه هند. نواز شریف رقیب بی نظیر بوتو در آخرین گردهمایی انتخاباتی خود، هند را تهدید به ضربه اتمی کرد. وی گفت: "اگر هند خیال حمله به پاکستان را در سر بپروراند، پاکستان نه یک، بلکه صداهای اتمی خواهد ساخت". انتخابات پیش رو در پاکستان به ان دلیل برگزار شد که قلام اسحاق خان رییس جمهوری پاکستان در روز ۱۵ مرداد گذشته بی نظیر بوتو را پس از نزدیک به بیست ماه نخست وزیری برکنار کرد. در آستانه انتخابات، در پاکستان شایع شد که در صورت پیروزی بوتو، نظامیان دست به کودتا خواهند زد. ارتش پاکستان به بهانه حفظ نظم و آرامش در جریان مبارزه انتخاباتی نیروهای خود را به خیابانها آورده بود و قدرت نمایی می کرد.



قدرت نمایی ارتش پاکستان

خامنه ای پس از این حملات شدید به مخالفینش در مجلس شورا، در وخت از گسترش کنترل نشده تهاجم به این "نهاد مقدس" هشدار داد: البته مردم باید اقدام مجلس شورای اسلامی را حفظ کنند! این تذکر من تذکری است که من وظیفه دارم بگویم، این موجب نشد که حالا نسبت به مجلس شورای اسلامی خدای نکرده از طرف کسی بی احترامی رخ بدهد. خامنه ای در این سخنرانی تاکید کرد که در هنگام خودش به طور مفصل تر به مخالفین جواب خواهد داد. سخنان خامنه ای نشانه شدت درگیری هایی است که از چندی پیش از انتخابات مجلس خبرگان به روی پرده آمد و تاکنون ادامه دارد. طرفین با نامه پراکنی، افشاکاری در مساجد و محافل حکومتی، اخراج و تصفیه مخالفین خود، جنگ مطبوعات و حتی در مواردی برخورد های مسلحانه به افشاکاری و تهدید علیه یکدیگر مشغولند. مرکز اصلی درگیری جناح ها مجلس شورای اسلامی است. نمایندگان در

اسلامی سخن می گفت، بخشی از سخنانش را به درگیری های درون حکومت اختصاص داد و گفت: بعضی حرف ها در چند وقت گذشته شنیده شد از بعضی نمایندگان مجلس که حرف خودی ها نبوده، حرف فریبه ها بود. شبیه اون حرف ها را ما این چند ساله جز از رادیو اسرائیل و رادیو آمریکو و رادیو منافق و اینها نشنیده بودیم. در مجلس کسی از این حرف ها نزده بود. نرن بگن ما تو مجلس آزاد نیستیم، چرا تو مجلس نماینده آزاده. وی آنگاه مخالفین را به سرکوب تهدید کرد و افزود: اما آزادی در چی؟ آزادی در اینکه علیه ملت، برعکس خواسته ملت اونجا و ایستن مثل سخنگوی رادیو اسرائیل حرف بزنن؟ نه، این آزادی نیست. این آزادی برای هیچ کس نیست در جامعه اسلامی. خامنه ای مخالفینش را "چهار نفر آدم جاهل" خواند و افزود: نكنه چهار نفر آدم جاهل، بی توجه، عصبانی، بی توجه به مسئولیت یک حرکتی بکنند و یک مجموعه پاک و مطهری را زیر سوال ببرند.

امان از دست این زن ها!

رسوایی های پیاپی در مورد روابط سیاستمداران، کشیش ها و سایر شخصیت های معروف آمریکائی با هتربیشه های زن، مانکن ها و... موضوع نوشته ای از آرت بوخوالد طنزپرداز معروف است.

من دیگر تاب تحمل این زن هائی را که روابط خود را با سیاستمداران معروف دوران ما با بوق و کرنا هلنی می کنند، ندارم. به یاد هست زمانی که یک زن آمریکائی خوشحال می شد اگر می توانست با رئیس جمهور ایالات متحده، با یک نماینده کنگره و یا یک شخصیت مشهور واشنگتن رابطه داشته باشد، آن هم به دلیل لذتی که این زن ها از مصاحبت این مردان بزرگ می بردند.

اما مدتی است که این خانم ها شروع کرده اند که در ملا هام از این چیزها صحبت کنند. فکر می کنم از جانب همه روسای جمهور آینده، همه نمایندگان و سایر شخصیت های سیاسی سخن گفته ام. اگر بگویم که ما، در صورتی که این ضعیفه ها دست از پرده دری های خود برندارند، مجبور خواهیم شد در مقابل طنازی های آینده شان "نه" بگوئیم.

من کاملاً واقفم که این یک تدبیر سخت گیرانه است، و خواهند بود زنانی که با خواندن این سطور، از خود بپرسند: "چرا ما باید تاوان چند زن را بدهیم که لاف روابط خود را می زنند؟" جواب آن ها این است: اگر قرار باشد ما صاحبان مقامات حساس با هر شب خوشی که برای خودمان ترتیب می دهیم این خطر را به جان بخریم که از مادر ستون های این نشریه و آن نشریه نام ببرند و آینده مان را خراب کنند، در این صورت ما باید در آینده چه بخواهیم و چه نخواهیم از هر رابطه بدون ازدواج چشم پوشی

بقیه در صفحه ۲

نطق های پیش از دستور باخشونت بی سابقه ای به مخالفین خود حمله می کنند، جزیان تندرو موسوم به خط امام، ائتلاف رفسنجانی، خامنه ای را به تقلب در انتخابات مجلس خبرگان متهم می سازد. مرتضی الویری نماینده هوادار جناح تندرو در جلسه ۳شنبه گذشته مجلس، انتخابات مجلس خبرگان را شکست تلخی برای جمهوری اسلامی نامید و گفت نگرانی این است که بر سر انتخابات دوره آینده مجلس شورا نیز همان بیاید که بر سر انتخابات مجلس خبرگان آمد. یک نماینده دیگر بنام موسوی به فساد دولتی شدیداً حمله کرد و برنامه بازسازی دولت رفسنجانی را شعارهای پوچ خواند. در جلسه قبل تر مجلس، یکی از نمایندگان تهران خامنه ای را تهدید به استیضاح کرد و گفت: در قانون اساسی استیضاح وزیران، رئیس جمهور و حتی در مواردی تغییر رهبری پیش بینی شده است. وی از سانسور شدید و حذف نیروهای حزب الله به شدت انتقاد کرد و

بقیه در صفحه ۲

در این شماره

نظرات اکتاویوپاز

در صفحه ۵

ره پهلوی دریا

در صفحه ۴

اصول رازیر پانگدایم

در صفحه ۲

مصاحبه اشپیکل با الکساندریا کوولف

در صفحه ۷

ملک فهد:

صدام حسین باید از عقل سلیم پیروی کند

مخالفت کرد. وی گفت اشغال کویت توسط عراق یک مسئله داخلی اعراب است، و هر کس بخواهد این مسئله را با اشغال سرزمین های عربی توسط اسرائیل مربوط کند، به دنبال حل هیچ یک از این دو مسئله نیست. رئیس جمهور مصر طی دیدار خود از عربستان تلویحا برای اعزام تعداد بیشتری نیروی نظامی به این کشور اعلام آمادگی کرد. به گزارش رادیوی قاهره، پادشاه عربستان گفته است که مبارک به او اطلاع داد عربستان سعودی در صورت نیاز به شمار بیشتری از نیروهای مصری نباید در طرح تقاضای آن تعلل کند. شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان، گزارش های منتشره در هفته گذشته حاکی از آمادگی کشورش برای دادن امتیازهای ارضی به عراق را تکذیب کرد. خبرگزاری عربستان یک بیانیه وزیر دفاع این کشور را

بقیه در صفحه ۲

ملک فهد پادشاه عربستان سعودی، صدام حسین رئیس جمهور عراق را فراخواند از کویت عقب نشینی کرده و "برای حفظ خود" در بحران خلیج فارس به "منطق و عقل سلیم" بازگردد. فهد طی تظلی در مراسم استقبال از حسنی مبارک رئیس جمهور مصر که برای دیدار با نیروهای مصری مستقر در عربستان به این کشور سفر کرده بود، لحن آشتی جویانه ای در قبال صدام حسین در پیش گرفت. پادشاه عربستان گفت صدام حسین نباید تصور کند که با بازگشت به "حق، منطق و عقل سلیم" حیثیت خود را از دست خواهد داد. فهد افزود: "اگر صدام به طور جدی درباره مسئله بیاندیشد، پی خواهد برد که به نفع عراق، به نفع خود او و به نفع ملت عرب است که عقب نشینی کند." مبارک بار دیگر با منوط کردن حل بحران خلیج فارس به حل مسئله اسرائیل و فلسطین

بقیه در صفحه ۲

درگیری های شدید حکومتی ادامه دارد!

بقيه از صفحه اول

مشار داد که یک جناح دار حذف می شود. نماینده دیگری بنام عظیمی به نمایندگان حزب اللهی که از کسادی انتخابات صحبت کرده بودند شدیداً حمله کرد و فریاد زد: چرا به ناطقین قبل از دستور حمله می کنید؟ چرا ناطق هاراپاره می کنید؟

این اظهارات تنها گوشه هایی از حدت درگیری ها را نشان می دهد. گفته می شود که حتی جناح تندرو به طور آشکار خواهان خلع خامنه ای از مقام رهبری شده است. جمعی امام جمعه آبادان که در انتخابات مجلس خبرگان صلاحیتش مورد تایید قرار نگرفته، به نمازگزاران گفته است که در شعارهایشان فقط به گفتن "خمینی رهبر" اکتفا کنند و به طور ضمنی رهبری خامنه ای را نفی کرده است. مشخصه ای که بحران فعلی هیأت حاکمه را از بحران های داخلی پیشین متمایز می کند، کشیده شدن مستقیم پای ولی فقیه به حیطه این درگیری هاست. هیچ کدام از جریان های موجود در حاکمیت، تا پیش از این، چنین آشکار و بی پرده ولی فقیه را به تیز حملات خود نساخته بودند. بدین ترتیب در دوره تازه درگیری ها، آخرین "سنگر مقدس" و انتقادپذیر رژیم

حاکم بر ایران نیز به زیر سوال رفته است. انتقادات هرچند متوجه شخص ولی فقیه و نه مقام ولایت فقیه است، اما خواه ناخواه دامنه خود این مقام را نیز در برمی گیرد و قداست آن را در نزد نیروهای معتقد به رژیم فرو می ریزد و ضربه ای کاری بر مشروعیت این رژیم در نزد معتقدان آن فرود می آورد. این بار ستون فقرات رژیم قرار گرفته است. رئیس جمهور اسلامی تا به امروز از ورود مستقیم به صحنه درگیری خودداری کرده و وظیفه اصلی مقابله آشکار با افراطیون پر دوش خامنه ای افتاده است. این وضعیت به تحکیم موقعیت رفسنجانی کمک می کند زیرا هم تضعیف خط امام و هم بی آبرویی "رهبر انقلاب"، یعنی رقیب رسمی او را در پی دارد. رفسنجانی با هوشیاری این را آموخته است که هیچ گاه در جبهه مقدم نبرد پیکار نکند.

ویژگی دوم این بحران دوام دار بودن آن است. هیچ کدام از درگیری های پیشین حکومتی، چنین طولانی به روی صحنه نیامده بود. تا پیش از این حضور پر قدرت خمینی در رأس حکومت، بحران را پس از آشکار شدن به سرعت به پشت صحنه می راند. اما این بار چنین نیرو و

مبادله اسرا هم چنان متوقف مانده است

همچنان یکی از موضوعات مورد مذاکره میان دو رژیم هستند. آسویتدپرس به نقل از یک مقام اطلاعاتی آمریکا که نام او را فاش نساخت در گزارشی در روز ۲۱ اکتبر اعلام کرد که رژیم بغداد رهبران این سازمان را به درخواست جمهوری اسلامی از این کشور اخراج کرده است. این مقام اطلاعاتی گفت که بسیاری از رهبران مجاهدین راهی کشورهای اروپایی و از جمله فرانسه شده اند. سازمان مجاهدین خلق این گزارش را به شدت تکذیب کرد. سخنگوی این سازمان در واشنگتن گفت که اخراج رهبران این سازمان از عراق دروغ است و اعضای مجاهدین مرتباً به عراق رفت و آمد

امان از دست این زن ها!

باز می کنی، داستانی از یک نفر می خوانی که مدعی است رابطه ای با یک شخصیت مهم داشته است. متاسفم که می بینم ورق پاره های مبتذل و ناشران کتاب های جیبی، این زن ها را تحریک می کنند و بابت روایت داستان های مربوط به روابط خصوصی با افراد دارای مقام های مهم، به آن ها اجرت کلان می دهند.

زمانی بود که می توانستی زنی را در تاکسی نشانی و به خانه اش بفرستی و مطمئن باشی که این زن به همین که شبی را با فرد محبوبش گذرانده است، راضی است. این زن به خانه اش که می رسید، با خوشحالی به خواب می رفت و خواب می دید که به خوشبخت کردن همه مردم آمریکا کمک کرده است.

اما در این دوره و زمانه، این زن ها مثل تیر به خانه می روند و به نظر می رسد نیمی از شب را بیدار می مانند تا در دفتر خاطرات خود چیزهایی بنویسند که اصلاً به انکار عمومی مربوط نیست.

اتوریت های وجود ندارد و خامنه ای که ظاهراً باید چنین نقشی را ایفا کند خود آماج حملات است. جریان حزب الله علیرغم اخطارها و تهدیدهای ولی فقیه حاضر به تمکین و عقب نشینی نشده است. ائتلاف خامنه ای - رفسنجانی مجبور است برای مهار این بحران کانون اصلی آن یعنی مجلس شورای اسلامی را مهار کند. سخنرانی ۲ آبان خامنه ای را باید در این راستا تلقی کرد. اگر مخالفین با تهدیدهای رهبر ساکت نشوند - که نشده اند - کار به استفاده از نیروهای مسلح و دستگیری و سرکوب بخش های دیگری از حکومت خواهد رسید. هم اکنون تدارک سرکوب گروهی از نمایندگان مجلس از طریق ارسال نامه از سوی نهادهای حکومتی و تقاضای "برخورد قانونی" با نمایندگان خاکی در جریان است. اگر دستگیری و سرکوب تعدادی از افراطیون نیز قادر به مهار آنان نشود، برای "رهبر انقلاب" راه دیگری

نمی ماند جز آنکه فرمان بر انحلال مجلس بدهد. حوادث ۲ هفته اخیر نشان داده است که حزب الله خط امام بدون مقاومت تسلیم نخواهد شد و بعید نیست که این درگیری ها به ناچار تا حذف کامل آنان ادامه یابد. روزهای آتی شاهد حدت یابی بحران سیاسی درون رژیم خواهد بود.

بقيه از صفحه اول

رهبران کردهای مخالف رژیم را ترور کرده اند. ترور دکتر سیروس الهی تنها یک هفته پس از بازگشت گالیندوپل بازرس مخصوص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از ایران صورت گرفته است. متأسفانه مصلحت جویانه دولت های اروپایی که این ترورها در خاک آنها صورت گرفته است - با رژیم اسلامی، موجب جری ترشدن این رژیم در کشتار مخالفین سیاسی خود در خارج از کشور شده است. پس از ترور دکتر قاسم پلویس اتریش استرداد دو تن از کارمندان جمهوری اسلامی را که متهم به شرکت در این جنایت بودند از رژیم اسلامی طلب کرد، اما بر اثر

ملک فهد:

صدام حسین باید از عقل سلیم پیروی کند

بقيه از صفحه اول

مخابره نمود که در آن آمده است هریستان به طور کامل از قطعنامه های صادره از سوی جامعه عرب و جامعه بین المللی، که در آن عراق به خروج فوری و بلا قید و شرط از کویت فراخوانده شده است، حمایت می کند. بیانیه می افزاید گزارش هایی که در آن از آمادگی هریستان سعودی برای اعطای امتیازات احتمالی به عراق سخن رفته بود، ناشی از "برداشت های نادرست" بوده است.

ریچارد چینی وزیر دفاع ایالات متحده روز دوشنبه ۲۲ اکتبر در پاریس تایید کرد که نیروهای عراقی در جریان اشغال

دکتر سیروس الهی در پاریس ترور شد

نشرهای وزارت امور خارجه اتریش مجبور به انصراف از تقاضای خود گردید. در مورد سایر قربانیان این رژیم نیز تاکنون حکومت اسلامی از سوی دولت های اروپایی مورد مواخذه قرار نگرفته است.

روز سه شنبه دفتر سازمان مجاهدین خلق اعلام داشت که رونالد شاتلن قاضی دادگاه لوزان، که مسئول پیگیری ترور دکتر کاظم رجوی است، این پرونده را تکمیل کرده و از طریق دادگاه عالی سوئیس پرسشنامه ای

پیرامون این جنایت برای دولت رفسنجانی ارسال کرده است. پلیس سوئیس قبلاً خواستار استرداد ۲ تن از افراد سفارت جمهوری اسلامی در ژنو که متهم به شرکت در ترور کاظم رجوی بودند از دولت تهران شده بود، اما

کویت به چند موشک هاوک دست یافته اند. چینی افزود شمار دقیق این موشک ها معلوم نیست. وی همچنین از این که عراقی ها قادر به استفاده از این موشک ها هستند یانه، اظهار بی اطلاعی کرد. وزیر دفاع آمریکا پس از ملاقات با فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه اخبار دایر بر وجود یک "برنامه زمان بندی شده یا موعدهای از پیش تعیین شده" برای اقدام نظامی علیه عراق را تکذیب کرد و افزود دولت متبوعش مصمم به ادامه تحریم ها و محاصره عراق است. به گفته وزیر دفاع دولت بوش، آمریکا تاکنون ۲۱۰ هزار نفر از نیروی زمینی، نیروی

اصول رازیر پانگ داریم

است؟؟ نادرست و بی پایه است.

وظیفه روشنفکر آگاه سیاسی این است که جدا بیدار و هوشیار جامعه خود باشد و هم بداند که جدا هم بدتر را.

شما اگر دو شیشه شیر داشته باشید که اولی دو روز از تاریخ مصرفش گذشته باشد و شما را دم مسمومیت خفیف غذایی کند و دیگری یک هفته تاریخ مصرفش گذشته باشد و شما را فوراً و شدید مسموم کند، کدام یک را خواهید نوشید؟ آیا انتخاب میان بدو بدتر دست می زنید و شیری می نوشید که شمارا دچار مسمومیت خفیف کند؟

عقل سلیم هر دو را نفی می کند و می گوید هیچ کدام از این دو را به عنوان "ماده غذایی" نپا به رسمیت شناخت، زیرا هیچ کدام ویژگی های مؤ غذایی را ندارند.

اگر صدام و آمریکا با یکدیگر مخالفند، منطق د وجهی به ما می گوید که باید جانب یکی از آن ها بگیریم. چرا که اگر یکی از آن ها برحق نیست، پ دیگری برحق است.

اگر روزگاری کویت بخشی از عراق بوده است استعمارگران به خاطر منافع خود آن را جدا کرده اند دلیل نمی شود که امروز صدام به کویت تجاوز کند اگر حکومت کویت مردمی نیست، باز هم دلیل نمی شود که دیکتاتوری چون صدام قیم مردم کویت شود و بخواهد آن ها را علی رقم میل خود "آزاد کند.

اگر هر کس به این بهانه بخواهد به همسایه خو تجاوز کند، جغرافیای جهان برهم خواهد خورد

فریدون تنکابنی

از رویدادهای ایران

۵۵ میلیون جمعیت، ۴ هزار محقق!

گفت: برای تمرکز امور تحقیقاتی فرهنگستان علوم پزشکی تشکیل خواهد شد. فقر امکانات فنی و آزمایشگاهی یکی از دلایل عمده عقب ماندگی در این عرصه است. برای اینکه آزمایشگاهها، کارگاهها و مراکز تحقیقاتی دانشگاهها به حداقل وسایل و امکانات ضرورت تجهیز شوند، حداقل ۵۰ میلیون دلار ارز مورد نیاز است که تا بحال هیچ نهادی مسئولیت تامین آنرا به عهده نگرفته است.

وزیر فرهنگ و آموزش عالی در گفتگویی با خبرنگاران اعلام کرد مطابق پیش بینی های بعمل آمده، تا پایان برنامه ۵ ساله از هر یک میلیون ایرانی ۲۵۰ نفر به کارهای تحقیقاتی اشتغال خواهند داشت. در حال حاضر از هر یک میلیون ایرانی فقط ۸۲ نفر به انجام امور تحقیقاتی مشغول هستند به عبارت دیگر کل محققین ایرانی کمی بیش از ۴۰۰۰ نفر هستند! وزیر فرهنگ و آموزش عالی در این گفتگو هم چنین

خامنه‌ای: در دانشگاه‌ها باید از اسلام پاسداری شود

اعلا از اسلام پاسداری کنند و کارها را به گونه‌ای پیش برند که بیگانگان از اسلام و انقلاب احساس تسلط بر دانشگاهها نکنند. خامنه‌ای در سخنان خود تدریس در دانشگاهها توسط کسانی که به اسلام و انقلاب اعتقاد ندارند، مشروط به آرایه هلمشان، رابلامانع دانست و افزود اما به این دسته از افراد در صحنه مدیریت دانشگاهها و جامعه نباید میدان داده شود.

روز سه شنبه اول آبانماه خامنه‌ای در دیدار با وزیر بهداشت - درمان و آموزش پزشکی و روسای دانشگاههای علوم پزشکی بار دیگر پاسداری از اسلام در محیطهای دانشگاهی را مورد تاکید قرار داد و خواستار فراهم ساختن امکانات بیشتر برای نیروهای حزب الهی در دانشگاهها شد. وی از استادان و مسئولین دانشگاهها خاطر نشان ساخت که باید در حد

برگزاری هفته تربیت

برگزار شود. هر روز این هفته به موضوع خاصی اختصاص خواهد یافت، شامل: رهبری و تربیت، خانواده و تربیت، جامعه و تربیت، مدرسه و تربیت، اقامه نماز و تربیت، صدا و سیما و تربیت. برگزاری هفته تربیت اقدامی است در جهت شستشوی مغزی دانش آموزان. رژیم از راههای گوناگونی می‌کوشد، دانش آموزان را در جهت اطاعت از نظام و قوانین آن شستشوی مغزی دهد اما در این راه موفقیت نصیب او نشده است.

رادیوی دولتی ایران اعلام کرد سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش همزمان با هفته تربیت، روزهای ۱۲ و ۱۳ آبانماه در حسینیه ارشاد تشکیل خواهد شد. معاون تربیتی وزارت آموزش و پرورش هدف این سمپوزیوم را ایجاد تحرک در جامعه دانشگاهی برای بررسی مسایل و مشکلات تربیتی دانش آموزان و آرایه موضوعها و مسایلی تحقیقی در زمینه مسایل تربیتی آنان ذکر نمود. قرار است به همین منظور هفته ای به نام هفته تربیت همزمان با روز دانش آموز از ۱۳ تا ۱۹ آبان ماه

کنگره بزرگداشت فردوسی

۳۵۰ نفر از جمله ۱۷۶ تن از استادان زبان و ادبیات فارسی از سراسر جهان به این کنگره دعوت شده‌اند. ۵۰ تن از استادان زبان فارسی ایران نیز در این کنگره شرکت خواهند کرد. ستاد برگزاری کنگره طی اطلاعیه‌ای از معلمان و دانش آموزان خواسته است که مقالات و اشعار خود در مورد فردوسی و شاهنامه را به این ستاد تحویل دهند.

در حالیکه سال ۱۹۹۰ که بناسبت ۱۰۰۰مین سال سرایش شاهنامه فردوسی، سال بزرگداشت ابوالقاسم فردوسی حماسه سرای بزرگ ایرانی نام گرفته است، رو به پایان میرود. رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشت که کنگره گرامی داشت فردوسی روزهای ۴ و ۵ دی ماه در کنار آرامگاه او در شهر طوس برگزار خواهد شد. مطابق گزارش رادیو دولتی

پاسخ دادم که روشنفکران در هیچ جای دنیا قدرت عملی ندارند و نمی‌توانند راه حلی سیاستمدارانه ارائه کنند. این وظیفه دولت‌هایی است که در سازمان ملل متحد گرد آمده‌اند. ما آشپز نیستیم، اما می‌فهمیم که این آش برای ذائقه مردم بیش از اندازه شور است. ما آواز خوان نیستیم، اما در می‌یابیم که نغمه‌ای که صدام از یک سو و بوش از سوی دیگر ساز کرده‌اند، بسی ناساز و گوش خراش است.

روشنفکر، چنان که گفتیم وجدان بیدار و هوشیار جامعه خویش است. او باید هر ناحقی را رد و ننی کند. حتی اگر دونا حق در برابر هم ایستاده باشند و با هم مخالفت کنند، او باید هر دو را رد و ننی کند و با هر دو مخالفت کند.

در جنگ جمهوری اسلامی و عراق، روشنفکران واقعی (از مقطع باز پس گرفته شدن خرمشهر و بیرون رفتن نیروهای عراق و فراهم آمدن شرایط صلح) هر دو طرف را محکوم می‌کردند و خواستار پیروزی هیچ یک نبودند. به همین جهت شعار صلح سر می‌دادند. حال آن که ساده لوحانی بودند که چشم بر مصائب تحمل ناپذیر مردم می‌بستند و چون شکست جمهوری اسلامی را مترادف با سرنگونی رژیم می‌دانستند، خواستار پیروزی صدام بودند.

و از طرف دیگر عظمت طلبانی هم بودند که بی توجه به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، خواستار پیروزی "ایران"، بر "عراق" بودند.

آنچه به عنوان اصول، به عنوان راهبر و راهنمای خویش پذیرفته‌ایم، چنین حکم می‌کند که همیشه حق را حق بدانیم و باطل را باطل، و اگر جهان را باطل فراگیرد ما همچنان از حق دفاع کنیم و به دنبال حق باشیم. نه این که مصلحت جوئی کنیم و به دنبال باطلی برویم که اندکی به حق شبیه‌تر یا نزدیک‌تر است.

تجربه نشان داده است که هر بار، به هر بهانه و دستاویز و توجیهی، اصول را زیر پا گذاشته‌ایم، به راه خطا رفته‌ایم. پس یک بار برای همیشه بیاموزیم که اصول را هرگز زیر پا نگذاریم.

آشفته خواهد شد. مگر روزگاری بحرین جزو ایران نبود و "استان چهاردهم" شمرده نمی‌شد؟ واقعیت‌های جهان محمدرضا شاه را وادار کرد که از ادعای خود چشم ببوشد و استقلال بحرین را به رسمیت بشناسد. (و طنز تلخ تاریخ در این بود که محمد رضا شاه که محالغان خود را "وطن فروش" می‌نامید، خود ناچار شد به بهای سه جزیره ساحلی و مقام ژاندارمی منطقه و دوستی با اعراب، پاره‌ای از وطن را بفروشد!) امروز حتی هلموت کول صدراعظم دست راستی آلمان ناچار است مرزهای شرقی آلمان - مرز میان آلمان ولهستان را - که تنها ۴۵ سال از به وجود آمدن آن می‌گذرد، به رسمیت بشناسد و غیر قابل تغییر بداند.

در ست است که استعمارگران غربی نفت عراق و کویت (و به طور کلی نفت همه منطقه) را به قارت می‌برند، اما قرار گرفتن منابع نفت و ثروت ناشی از فروش آن در دست دیکتاتوری چون صدام، به معنای احقاق حقوق حق مردم این دو کشور یا مردم منطقه نیست.

برخی از کسانی که این بخش از موضوع را می‌پذیرند، باز به منطق دو وجهی پناه می‌برند و ناچار از آن سوی بام فرو می‌افتند و می‌گویند حال که صدام بر حق نیست، پس حق با امریکا است که می‌خواهد زور را با زور پاسخ دهد و با نیروی نظامی جلو تجاوز را بگیرد.

حال آن که اقدام نظامی امریکا، تجاوز آشکار به منطقه است. و بهانه قطع نامه‌ها و اقدامات سازمان ملل متحد نمی‌تواند آن را توجیه کند. امریکا ابتدا به پشتوانه قدرت فائده خود تجاوز می‌کند و سپس از سازمان ملل متحد جواز می‌گیرد. امریکا در جنگ کره هم همین کار را کرد.

دوستی که در این باره با او گفت و گو می‌کردم، پرسید: پس چه باید کرد؟ باید دست روی دست گذاشت و ناظر تجاوز صدام بود؟ بالاخره یک کسی، یک قدرتی باید در برابر او بایستد و او را سر جای خود بنشانند.

از رویدادهای ایران

۲۲ میلیون نفر با کمبود مواد غذایی روبرو هستند

درآمد دارند ۱۷ هزار و ۶۰۹ تومان خانواده‌هایی که سالانه ۳۶ تا ۴۸ هزار تومان درآمد دارند ۲۴ هزار و ۷۵۵ تومان خانواده‌هایی که سالانه ۴۸ تا ۶۰ هزار تومان درآمد دارند حدود ۳۱ هزار تومان جمع افرادی که در سطوح درآمدی فوق می‌گنجند و به درجات مختلف قادر به تامین حداقل نیازهای خوراکی خود نیستند بیش از ۲۲ میلیون نفر است. لازم به تذکر است که این آمار متعلق به سال ۶۵ است و طی ۴ ساله اخیر وضعیت مردم از نظر تامین مواد غذایی بیش از پیش رو به وخامت گذاشته است.

روزنامه کیهان ۱۵ مهر طی گزارشی خبر داد که ۲۲ میلیون نفر از مردم ایران با کمبود مواد غذایی مواجه هستند. مطابق این گزارش متوسط هزینه مواد غذایی هر نفر در روز برابر با ۱۸۰ ریال تعیین شده است که برای یک خانواده ۵ نفره برابر با ۳۲ هزار و ۴۰۰ تومان در سال می‌شود. طبق آمارهای منتشره متوسط هزینه های خوراکی و دخانی خانواده ها در سطوح مختلف درآمدها به شرح زیر است: خانواده‌هایی که سالانه ۱۲ تا ۲۴ هزار تومان درآمد دارند ۹ هزار و ۱۴۰ تومان خانواده‌هایی که سالانه ۲۴ تا ۳۶ هزار تومان

توسعه روابط جمهوری اسلامی با اتحاد شوروی

آبانماه برگزار خواهد شد. ۱۹۶ واحد تولیدی - خدماتی تولیدات صنعتی - معدنی و غذایی آذربایجان شرقی و غربی را در این نمایشگاه عرضه خواهند کرد.

در پی گسترش مناسبات اقتصادی میان شوروی و جمهوری اسلامی، روز ۳۰ مهر خط حمل و نقل بین المللی ایران و شوروی نیز افتتاح شد. این خط در پی قرار دادی که یک ماه و نیم پیش بین مقام های حمل و نقل جاده‌ای ۲ کشور منعقد شد، افتتاح گردیده است. از طریق این خط روزانه ۴۰ دستگاه کامیونهای حمل و نقل بین المللی جمهوری اسلامی صادرات و واردات به شوروی و بالعکس را انجام خواهند داد.

رفت و آمد میان مرز نشینان ایران و شوروی طی ضوابطی آزاد شد. استاندار آذربایجان شرقی طی مصاحبه‌ای در این مورد اعلام داشت که از اول آبانماه سال جاری ۱۲۰۰ نفر از مرز نشینان ساکن در محدوده ۴۵ کیلومتری مرز، طی ۲ روز در هفته و بمدت ۱۵ روز می‌توانند بدون انجام تشریفات گذرنامه ای به کشور هم جوار مسافرت کنند. رفت و آمد از ۲ نقطه مرزی واقع در مغان و جلغا صورت می‌گیرد. مسافرت های مرزی در اجرای تفاهم نامه بین مقامات ایران و شوروی آغاز شده است.

استاندار آذربایجان شرقی هم چنین اعلام داشت که اولین نمایشگاه صنعتی - بازرگانی و فرهنگی جمهوری اسلامی در باکو از تاریخ بیستم تاسی ام

خبرهای کوتاه ورزشی

فوتبال منطقه‌ای ایران

۲۲ امتیاز از ۵۵ امتیاز

۳۷ امین دوره مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی جهان هفته گذشته در ایتالیا به پایان رسید. در این مسابقات که ۲۰۰ کشتی گیر از بیش از ۴۱ کشور جهان شرکت داشتند، تیم ملی کشتی فرنگی شوروی با برتری مطلق به مقام قهرمانی رسید. کشتی گیران شوروی با کسب ۶ مدال طلا، ۳ نقره و یک برنز ۹۵ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن را بدست آوردند. کشتی گیران مجارستان با ۴۹ امتیاز، آلمان با ۴۴ امتیاز مقام های دوم و سوم مسابقات را کسب کردند.

تیم ایران با ۳ کشتی گیر در این مسابقات شرکت کرد. در وزن ۶۲ کیلوگرم حسن یوسفی ائشار به مقام هشتم رسید و ۲ امتیاز برای ایران کسب کرد. دو کشتی گیر دیگر ایران در دور مقدماتی حذف شدند.

ششمین هفته مسابقات فوتبال منطقه‌ای باشگاه های ایران جمعه گذشته با انجام ۹ دیدار دنبال شد و این نتایج بدست آمد:

منطقه یک: پرسپولیس بیجار ۳ پاکدیس ارومیه ۲ - ماشین سازی تبریز یک استقلال رشت صفر در این گروه مسابقات سپیدرود رشت - بانک استان باختران و ملوان بندر انزلی - تراکتور سازی تبریز به دلیل بارندگی شدید انجام نشد.

منطقه دو: پاس همدان ۲ شهرداری ساری ۱ - نساجی قائم شهر ۲ صنعت نفت شاهرود صفر

منطقه سه: برق شیراز یک تام اصفهان صفر - کمی شیراز ۲ استقلال یزد صفر - ژاندارمری اصفهان ۷ پیروزی چابهار صفر. منطقه چهار: جنوب اهواز ۵ هما بر وچن صفر - استقلال اهواز ۳ پرسپولیس دهمدشت ۱

سه شنبه سیاه فوتبال

روز سه شنبه ۱۷ مهر ماه ۳ تن از فوتبالیست های جوان تیم فوتبال ژاندارمری تهران در یک حادثه دلخراش رانندگی جان خود را از دست دادند. احمد احمدی، جاوید هریزی و مهرداد هباسبیان همراه بادو تن دیگر از فوتبالیست های این تیم پس از انجام یک دیدار دوستانه به هنگام بازگشت به خانه در جاده مخصوص کرج دچار حادثه رانندگی شدند و جان باختند. روز ۵ شنبه هریزی و هباسبیان دو فوتبالیست از دست رفته تیم ژاندارمری در بهشت زهرا به خاک سپرده شدند و جنازه احمد احمدی نیز به زادگاهش در تبریز انتقال یافت. تیم های جوانان تهران در مسابقات هفته گذشته خود با نوا های سیاهی که بر سینه نصب کرده بودند به میدان آمدند. روز اول آبان ماه نیز به یاد احمد احمدی یک مسابقه فوتبال دوستانه بین تیم ملی جوانان کشور و منتخب آذربایجان شرقی در ورزشگاه تختی تبریز انجام شد.

نشریه اکثریت این حادثه جانخراش را به خانواده این ۳ فوتبالیست از دست رفته و ورزشکاران ایران تسلیت می‌گوید.

تیم ملی شطرنج

برگزیده شد

رقابت های تکمیلی برای انتخاب تیم ملی شطرنج ایران که به مدت یک هفته در محل فدراسیون شطرنج ادامه داشت روز چهارشنبه گذشته به پایان رسید. در این رقابت ها ۶ شطرنج باز که در مسابقات قهرمانی کشور عنوان های چهارم تا نهم را کسب کرده بودند به رقابت با یکدیگر پرداختند و در پایان عباس خاکپور و هادی مومنی از تهران همراه با حسین آریان نژاد از گیلان به عضویت در تیم ملی شطرنج ایران انتخاب شدند.

قبلا در مسابقات نهایی قهرمانی کشور مهندس خسرو هرندي استاد بزرگ شطرنج ایران با ۱۱ امتیاز به مقام قهرمانی رسیده بود و همراه با نفرات دوم و سوم این مسابقات دکتر خسرو کیهانی و مهدی ماموری به عضویت در تیم ملی برگزیده شده بودند. قرار است ۶ شطرنج باز برتر ایران در نیمه دوم آبان ماه در المپیاد جهانی شطرنج یوگسلاوی شرکت کنند.

درباره سیروس ملکوتی و آثارش

ره‌په‌سوی دریا

چون بعنوان یک هنرمند انسان‌گرا نمی‌تواند دور از انسانها، دور از هموطنانش که با آنها پیوند زبانی و فرهنگی و الفت همیق عاطفی دارد، قرار گیرد، از این نقطه نظر خواه ناخواه آثارش جنبه سیاسی پیدا میکنند. ملکوتی بعنوان یک هنرمند سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی مخالف بوده و هست - بویژه آنکه این رژیم با حیات هنری او، با موسیقی خصوصی کور و غیر انسانی دارد. وی در سال ۸۸ در اعتراض به عقد قرار داد فرهنگی میان رژیم و دولت آلمان فدرال که با موج اعدام‌ها همزمان بود، دست به اعتصاب غذا زد. اعتصاب وی با حمایت بسیاری از ایرانیان مقیم خارج و شخصیت‌های علمی - هنری آلمان روبرو شد تا جاییکه هیاتی از اساتید و رؤیس دانشگاه موسیقی برلین مخالفت خود را با عقد قرار داد مذکور اعلام کردند. سیروس ملکوتی در حال حاضر بر روی قطعه‌ای برای ارکسترو گیتار و نیز قطعه‌ای بر اساس تمی از یک سرود زرتشتی (گاتاه) کار میکند. او بعنوان یک معلم و از طریق تدریس گیتار زندگی‌اش را تامین میکند و گاهی نیز کنسرت‌های در شهرها و کشورهای مختلف اجرا میکند. او میگوید: "هزینه‌های مشکلات مالی، حاضر نیستم هنر را وثیقه‌ای برای سرمایه‌اندوزی قرار دهم. چرا که تنها به سرمایه‌های هنری و فرهنگی اتکا دارم و افسوس که در شرایط حاضر از این نظر با فقر شدیدی روبرویم! متأسفانه موسیقی جدی نه در ایران و نه در میان ایرانیان مقیم خارج مورد حمایت نیست. همکاری دو نوع موسیقی بازاری - تجاری و موسیقی ضجه‌وزاری اسلامی و گسترش آنها در ایران و خارج هر چه را بر موسیقی جدی بسیار تنگ کرده است. در چنین شرایطی هنرمند جدی که به میراث فرهنگی می‌اندیشد، بخاطر فقدان امکانات مناسب برای ارائه هنرش و نیز فائق آمدن بر مشکلات مالی مجبور است تن به فعالیت‌هایی دهد که در یک شرایط طبیعی و عادی شاید هرگز به آنها نمی‌پرداخت!" مهر ۱۳۶۹

در سال ۱۹۸۳ ملکوتی "فانتزی ماهی سیاه کوچولو" را بر اساس داستان معروف صمد بهرنگی برای تئاتر سایه ای ساخت. "فانتزی ماهی سیاه کوچولو" سراسر تصویر است. تصاویری که به زیبایی و راحتی با موسیقی بیان میشوند. ملکوتی در انتهای این قطعه، ادامه تفکر ماهی سیاه کوچولو را که در اندیشه‌های سرخ کوچولویی که به قصه گوش میداد، شناور است. باریتی که بیانگر حرکت و تداوم است، تصویر می‌کند و شنونده نیز در انتظاری بی‌انتهاگویی با ماهی کوچولو همراه میشود تا فر دایه‌سوی دریا را ببیند. "قطعه" "قصه‌های اوین" که در سال ۱۹۸۶ برای صدای زن و گیتار نوشته شده، با شعری به زبان انگلیسی از "آبرتورزا" شاعر پرتغالی در نوامبر ۸۹ در برلین اجرا شد. ملکوتی این قطعه را تحت تاثیر ماجرای واقعی یک مادر که در "اوین" به جوخه اعدام سپرده شد، نوشت و شعر آن در واقع نجوای مادر در وا پسین لحظات زندگی است. بدین ترتیب آثار ملکوتی به یک اعتبار سیاسی نیز هستند، اما او زیبایی شناسی و هنرش را فدای سیاست نمیکند. وی که در اولین انشعاب فدائیان، همکاری خود را با سازمان چریک‌های فدایی خلق (اقبلیت) ادامه داد، بعدها در انشعابی دیگر با جریان "سوسیالیستی" از آن سازمان بیرون آمد و اینک مدتهاست که بعنوان یک هنرمند فعالیت میکند. سیاست برای او مفهومی جز همان مادر، همان کودک، همان ماهی کوچولو ندارد. او به انسان فکر میکند و تا آنجا که به کشورش مربوط میشود انسانها را میبیند که رنج می‌برند، تلاش میکنند و راه می‌کشند. او با موسیقی اش شعار نمیدهد و پلاکارد بلند نمیکند، اما

خلیج فارس فرق شد، ساخته شده و در مجموعه "نعمه‌های خاموش در غربت" که در واقع مولود تجارب تلخ و شیرین زندگی در تبعید است، تماماً انسان و رنج‌های او مورد نظر آهنگسازند. ملکوتی میگوید: "هزینه‌های آنکه موسیقی و سبک آثارم تا حدی دور از عادات مردم نسبت به موسیقی است و شاید برای بسیاری غیر عادی بنظر برسد، اما در هر کشوری که برنامه اجرا کردم، در سوئد، انگلیس، هلند، حاضرین همراه با نواختن من اشک ریختند و من به این حقیقت بیشتر باور کردم که وقتی اثری بر اساس درک و عاطفه، انسان و مسائلش ساخته میشود، برای مردم قابل درک است و درک آن ضرورتاً در انحصار متخصص‌ها نیست!" اما او به تقدیس رنج نمی‌پردازد و مداح آن نیست. او بیانگر رنج است، بیانگر حسرتی همیق بر جای خالی شادی، این فضیلت پاک والای بشری! با این همه، رنج و حسرت در آثار ملکوتی، همزادی دارند که پاپ‌های آنها بر سیم‌های گیتار پنجه می‌زنند و آن تلاش وی است برای رهایی از نیمه رنج و درد. درست در همان لحظات که پنجه‌ها می‌روند تا قلب را از شادی، از سبکباری و آسودگی به پرواز در آورند، رنج را می‌کشاید و لحظاتی بعد در فضای آکنده از رنج، نوت‌های شوخ شادی و امید از زیر انگشتان سرگ می‌کشند!

"بلا‌بار توک" سنتز سی از دوزبان موسیقی متفاوت در ادبیات گیتار بوجود آورده است. "در واقع آثار ملکوتی را مطلقاً نه از زاویه تحول در موسیقی ایرانی بلکه به مثابه تحولی در ادبیات گیتار کلاسیک باید مورد بررسی قرار داد. وی امروز چهره شناخته شده ای در هر صحنه نوازندگی و آهنگسازی گیتار است. آثاری که تاکنون در این زمینه تدوین و اجرا شده اند عمدتاً ملهم از موسیقی اسپانیا و اروپای مرکزی بوده است و همین چهارچوب، محدوده گیتار کلاسیک را تشکیل میداد. ملکوتی در واقع بدیل دیگری عرضه میکند که از کشورس نشان دارد و بر پایه میراث ادبی گیتار در جهان شکل گرفته است. وی معتقد است: "من موضوع جدیدی را در زمینه گیتار مطرح نکرده‌ام، بلکه گذشتگان نیز همین کار را کرده اند. مثلاً "بریتن" berieten انگلیسی و یا "دوفایا" defaia اسپانیایی با ابعاد از فرهنگ و ادب کشورهای خود ادبیات گیتار را متحول ساختند. در ایران نیز کسانی چون "احمد پژمان" پیشگامان طرح این سنتز هستند." نقطه هزیمت ملکوتی در آثارش، به لحاظ اجتماعی، انسان است. این موضوع در تمامی تم‌هایی که وی برای آهنگهایش انتخاب کرده مشهود است. در قطعه "مرثیه ای برای ساناز" (۱۹۸۶) که به یاد دختری که به هنگام فرار از ایران، در آبهای

ملکوتی چهار سال بعد، در سال ۱۹۸۴ تحصیلات خود را با هالترین درجه به پایان رساند. وی تاکنون کنسرت‌های متعددی در کشورهای مختلف اروپا داشته است. در سال ۸۸ نیز به دعوت دانشگاه والنسیا جهت کنسرت، معرفی آثار و سمینار در زمینه تکنیک‌های نوازندگی گیتار برای دانشجویان به اسپانیا سفر کرد. سیروس ملکوتی طرح‌ها و تکنیک‌های جدید در محدوده فنی نوازندگی گیتار عرضه کرده است از جمله "ترمولو" های جدید در استفاده از انگشتان دست راست که این تکنیک، شرح زندگی و آثار او در تنها دایره المعارف موجود در زمینه گیتار (به زبان اسپانیایی) "روآنوسانچز" ثبت شده است. در دوران مهاجرت، دوری از وطن و مشاهده تحمیل فرهنگ مسخ شده و بی روح بر کشورش، این کنجکاوی را در او برانگیخت که به هویت فرهنگی خود و جامعه‌اش بپردازد. این جستجو و تلاش، عناصر ملموس آثار بعدی وی هستند. از یک سو انتخاب تم‌هایی که تأثیر، نگرانی و نفرت وی را از شرایط فرهنگی حاکم بر ایران نشان میدهد و از سوی دیگر گرایش به "موتیو" های موسیقی ایرانی، ریتم‌ها و نغمات ایرانی سبب شد که در کاروی تلفیقی از دو فرهنگ موسیقی غرب و شرق (و مشخصاً موسیقی کلاسیک و تم‌های ایرانی) مطرح شود. در یکی از کنسرت‌های ملکوتی، پروفسور "مارتموت فلات" طی سخنرانی در باره ساخته‌های وی گفت: "سیروس، همچون

این مطلب توسط یکی از شاگردان سیروس ملکوتی تهیه و تنظیم و برای "اکثریت" ارسال شده است. "سیروس ملکوتی گیتاریست و آهنگساز ایرانی در سال ۱۳۳۵ در بابل متولد شد. از جمله هنرمندان بی‌شماری است که به دلیل شرایط سیاسی مجبور به مهاجرت شده است. "نواختن گیتار از سیزده سالگی شروع کردم. بدون آموزش مستقیم، به محدوده ای از ادبیات گیتار کلاسیک دست یافتم. پس از چندی، حدود سال ۵۲ برای تدقیق خود آموخته‌هایم نزد آقای "داریوش افراسیابی" طی دوره ای کوتاه آموزش دیدم. در تهران، در جاهای مختلف مثل "خانه هنر تهران" و فوق برنامه مدرسه عالی ساختمان تدریس میکردم. مشاور موسیقی "کاخ مرکزی جوانان" بودم و هفته ای یک روز برای تدریس به ساری میرفتم. چند برنامه تکنوازی در تهران داشتم که آثار کلاسیک اروپا را شامل میشد. اولین قطعه برای گیتار را در سال ۵۷ و تحت تاثیر فاجعه شهریور ساختم که در واقع اولین کارم در عرضه آهنگسازی به شمار می‌آید." در همان دوران وی نیز مثل بسیاری از هنرمندان به گروه‌های سیاسی جلب شد و به فدائیان خلق پیوست. نتیجه این همکاری در آن سالها، ارائه نواز سرود "خلق ترکمن" بود که بخش‌هایی از اولین اثرش نیز در همان نوار آمده است. در آبان ۵۸ (نوامبر ۷۹) برای تحصیل در رشته موسیقی رهسپار آلمان شد و دو ماه بعد تحصیل در رشته تکنوازی گیتار را نزد استاد اسپانیایی خانم "ماریا آتجلس سانچز بنیملی" آغاز نمود.



SIRUS MALAKOOTY

- Der kleine schwarze Fisch -

KOMPOSITIONEN FÜR

GITARRE

stasch

DOLBY SYSTEM



ظرات اکتاویوپاز پیرامون ادبیات و جهان سیاست

پاز: "اگر آفرینش ادبی تابع سود و درآمد بیشتر شود،

مرگ ادبیات فرا خواهد رسید."

ح. بهداد

سزاروالیو، شاعر پرویی، با لحن و زبانی شدیداً آمریکایی می‌بایستی که ابتدائاً نوزایی ادبیات اروپایی بعد از جنگ جهانی اول را در ذهن خود بگوارد و از آن خود سازد.

هر دوی این راستاها رانه به عنوان گرایش‌های جدا و متضاد، بلکه بسان خطوطی باید در نظر گرفت که با یکدیگر تلاقی می‌کنند، شاخ و برگ می‌گسترند، درهم می‌تنند و دوباره از هم جدا می‌شوند. از این رهگذر بافت پرآب و رنگی پدید می‌آید که همان ادبیات ماست. ما، نویسندگان آمریکای لاتین، بسان نویسندگان آمریکای شمالی از یک سو در متن سنن و دستاوردهای فرهنگی اروپا تنفس می‌کنیم، فرهنگی که زبان اسپانیایی ما نیز به آن تعلق دارد، و از دیگری سو با واقعیت‌های زندگی در قاره آمریکا سرو کار داریم. برای ما، اهالی آمریکای لاتین، پایدارترین و ماندگارترین فراداده (سنت) ادبی همانا ادبیات اسپانیاست. ما این ادبیات را دستمایه خود می‌سازیم تا بر له یا علیه آن بنویسیم. این ادبیات نقطه هزیمت ماست. هنگامی که نغش می‌کنیم، درواقع به پیشش می‌رانیم و با به پیش‌راندنش دگرگونیش را موجب می‌شویم. درواقع رابطه ما با سنن ادبی اسپانیا آمیزه‌ای از عشق و کشاکش است. آری، ریشه‌های ادبیات ما اروپایی‌اند، اما افق و دستمایه ما خاک و تاریخ آمریکاست. در آمیختن این دو جنبه کار هر روزی است که هر کدام از ما به سبک و شیوه خود آن را انجام می‌دهیم. بر این پایه ادبیات آمریکای لاتین چیزی نیست مگر مجموعه شیوه‌های گوناگون این درآمیزی... در دهه‌های اخیر و بویژه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در هر سه ادبیات جنبش‌ها و گرایش‌های ایدئولوژیکی پدید آمدند که به رقم سبک و شیوه گوناگوشان می‌توان با نرمترین واژه‌ها آنها را "ادبیات کارگزار" (ادبیات خادم) نامید. هنرمندان نزدیک به این جنبش‌ها و گرایش‌ها تلاش کردند که با تاریخ همگامی‌کنند، اما اغلب تاریخ را با سیاست روز اشتباه گرفتند و از این رهگذر به کارگزاران و مبلغان ایدئولوژی و سیاست مشخصی تنزل یافتند. بنیادهای این ادبیات سخت سست و شکننده بودند. آبشخور اصلی این ادبیات اندیشه‌ای بود که بنا بر آن تاریخ روندی روبه فراگشت و تکامل دارد و زمانه‌های این فراگشت در سیمای طبقه مشخصی بروز یافته، که این طبقه نیز از سوی یک حزب رهبری می‌شود خود این حزب نیز در سیمای رهبریش نمود می‌یابد و این رهبری نیز در یک رئیس یا دبیرکل خلاصه می‌شود. پیداست که هنری با این مبانی لرزان نمی‌توانست دیر بپاید و براستی امروز به جز رد و نشانی محدود از این هنر چه باقی مانده است. تهنک‌مایگی و بدفرجامی این هنر نه به فقر جنبه‌های زیباشناسانه آن، بلکه بیشتر به تدنی و کاستی مبانی اخلاقی و سیاسی نظام مورد حمایت آن بر می‌گردد. شگفتا، اندیشه‌ای که خود را پرچمدار "تکامل تاریخ" می‌دانست، پیریز اردوگاه‌های کار و نظام‌های مستبد و خیره‌سراز کار درآمد.

موقعیت کنونی ادبیات آمریکای لاتین سوای موقعیت ادبیات در بخش‌های دیگر جهان نیست. در این ادبیات دو ویژگی را به آسانی می‌توان باز یافت: اولین ویژگی همانا از بین رفتن "جنبش آوانگاردیسم" است که در نیمه نخست این سده سر برآورد، و دومین ویژگی‌های یافتن این ادبیات از توهّمات و پندارهای ایدئولوژیک می‌باشد. به گفته دیگر آن ناکجاآبادهایی که از سوی دستگاه سیاسی - ایدئولوژیک خاصی آوازه‌گری و تبلیغ می‌شد، در سیمای حصارها و زندان‌ها نمود یافت و رویای برپایی جامعه‌ای آزاد و برادرانه توسط آن همچون حیایی ترکید. اینک ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که به لحاظ هنری می‌توان آن را "پست مدرن" (دوران پس از مدرنیسم) و به لحاظ سیاسی دوران "پست ایدئولوژیک" (دوران پس از ایدئولوژی نامید. باید تأکید کرد که فرسودگی و فانی هنر آوانگارد و بی‌اعتباری ایدئولوژی‌های سیاسی نه به معنای چشم پوشیدن از هنر و نه به معنای فرار از برابر تاریخ است. من در یکی از کتاب‌های خود یادآور شده‌ام که هنر گذشته‌های نه‌چندان

ویژه خویش را مدیون نویسندگانی همچون هنری جیمز و درونمایه آمریکایی خود را رهین نویسندگانی همچون والت وایتمن است. "ادبیات آمریکای لاتین نیز با پامردی و تلاش نویسندگانی از نسل سارمی‌یتنو تانسل و الیو سبک و سیمای بومی و تابسته یافت و از حیث درونمایه با کوشش و جهد نویسندگانی

همچون داریوتا بورخس بیش از پیش با جنبه‌های گوناگون زندگی در آمریکای لاتین در آمیخت. تباین و تعارض میان جنبه‌های بومی و جهانی ادبیات آمریکای لاتین پیوسته محمل بحث و جدل در میان نویسندگان این دیار بوده است. پرزاس پرو فاناس (Prosas Prefanas) سروده روبین داریو (۱۹۱۶ - ۱۸۶۷) برجسته‌ترین اثر اولین مرحله رواج مدرنیسم در آمریکای لاتین به‌شمار می‌آید. هنگامی که این کتاب انتشار یافت، خوزه انریکو رودو ضمن توصیف آن به عنوان اثر شاعری بزرگ و برجسته و نوگرا یادآور شد که ساختار واژگانی نامانوس این کتاب روح زندگی انسان آمریکای لاتین را بازتاب نمی‌دهد. وی آشکارا گفت: "داریو شاعر بزرگی است، اما شاعر مان نیست." بعدها برای توصیف آثاری که سخت رنگ و بوی آمریکای لاتینی داشتند، صفت "خاکی" به کار گرفته شده از دید نقادان و ارزیابان یک اثر "خاکی" تنها آفریده یک نویسنده - شدیداً اصیل آمریکایی می‌توانست باشد. و به یاد دارم چهل سال پیش، هنگام آشنایی با گابریلا میسترال، وی به خواندن شعرهای من ابراز علاقه کرد. من اما ابتدا شرم داشتم که شعرهایم را به وی نشان دهم، آخر او برنده جایزه نوبل بود و من شاعری گمنام و تازه‌کار. سرانجام بر این شرم خود چیره‌شده و کتاب کوچکی از شعرهایم را که تازه انتشار یافته بود، برایش فرستادم. چند روز بعد در خانه دوست مشترکی دوباره میسترال را دیدم. وی با دیدن من با واژه‌های مودبانه‌ای پنبه کتابم را زد: "از شعرهای شما به‌رغم آنکه برایم بیگانه‌اند، خوشم آمد. شما می‌توانستید یک شاعر خوب اروپایی باشید. راستش شعرهای شما برای من به اندازه کافی "خاکی" نیستند... من با شنیدن صفت "خاکی" سرخ‌شدم و خود را محکوم شده ساختم. خاکی نبودن در نظر من نوعی نارسایی مادرزادی به‌شمار می‌آمد، گویی انسان در سرزمین آمتکسازان و موسیقیدانان ناشنوا به دنیا آمده باشد. در آن هنگام در ذهن من شاعر خاکی درخت پر باروبری می‌نمود که با تنه‌ای ستبر و جوانه‌هایی انبوه در ژرفای خاک قاره آمریکا ریشه افشاند. بعد از همین رو حتی ریش‌های والت وایتمن (نویسنده سرخپوست بزرگ آمریکادر آغاز سده کنونی هم در نظر من حکم ریشه‌های هوایی درخت بانیتو (درخت مقدس سرخپوستان آمریکا) را داشتند. با این همه برای آنکه از خودم ناامید نشوم، ذهنم پیوسته متوجه شاعری به نام ویسنته هویدوبرو (Vicente Huidobro) می‌شد که هیچگاه نمی‌خواست "ریشه" داشته باشد. او حتی بایسته میدانست که شاعر ریشه خود را از خاک بر کند تا توانایی پرواز بیابد، زیرا در نگاه وی شاعری حکم پرواز بر فراز گیتی را داشت که برای آن انسان رانه به ریشه‌ها بلکه به بال‌ها نیاز است. اما شاعری همچون نروا برعکس هویدوبرو ریشه‌دار بودن را از شرایط ضرور شاعری می‌دانست. از همین روست که وی در سروده‌هایش پاهای خود را باریشه مقایسه می‌کند و تصادفی نیست که بهترین کتاب وی نام "اقامت بر خاک" را بر خود دارد.

باری، امروز هنگامی که به حرف‌های گابریلا میسترال و "شاعر خاکی" می‌اندیشم، در دل می‌خندم. به راستی امروز دیگر چه کسی این اصطلاح را به کار می‌برد؟ واقعیت این است که در آثار ادبی معاصر آمریکای لاتین نمی‌توان میان جنبه‌های بومی و جنبه‌های فرا بومی خط و مرز کشید. بزرگترین نویسندگان ما در آن واحد هم بومی بوده‌اند و هم جهانی، با پاهائی بر خاک و سری در ابرها. به گفته دیگر بخشی از نویسندگان آمریکای لاتین معدنچیان در اوج آسمان و بخشی دیگر پروازگرانی در ژرفای زمین بوده‌اند "داریو" ی فرانسوی شده شهرهایی با رنگ و بوی شدیداً آمریکایی سرود و

از لحاظ جهان بینی پاز به آمیزه‌هایی از مسیحیت و آیین بودا باور دارد از لحاظ سیاسی وی که تا ۱۹۳۹ یعنی تا پیمان استالین - هیتلر به کمونیست ها گرایش داشت، اینک در زمره محافظه کاران جای دارد. پاز از منتقدین انقلاب‌های آمریکای لاتین به‌شمار می‌رود و انقلاب‌های کوبا و نیکاراگوئه را رویدادهایی کاذب و غیر واقعی می‌داند. وی به سبب مواضع محافظه کارانه‌اش پیوسته آماج انتقاد مجامع روشنفکری آمریکای لاتین بوده است.

با اعلای جایزه نوبل به اکتاویوپاز این سومین باری است که طی دهه اخیر نویسنده‌ای از جهان سوم این جایزه را دریافت می‌دارد. داوران پیر کمیته ادبی نوبل که به سبب ستایش پی‌درپی از نویسندگان اروپایی به اروپاگرایی متعمم بوده‌اند، اخیراً برای رهایی از این اتهام توجه بیشتری به جهان سوم نشان می‌دهند که نکته‌ای است مثبت. با برگزیده شدن اکتاویوپاز برای دریافت جایزه نوبل اما امید پاره‌ای از محافل ادبی مبنی بر اینکه این جایزه امسال به نشانه پاسداری از حرمت قلم و تأکید بر آزادی نویسنده احتمالاً به سلمان رشدی داده خواهد شد، نقش بر آب گردید. با نگاهی به کارنامه کمیته ادبی نوبل پیدایند که از این اما مزاده چنین معجزاتی کمیته ساخته است و داوران پیر این کمیته معمولاً اهل اینگونه خطر کردن‌ها نیستند. باری آنچه که در پی می‌آید ترجمه سخنرانی اکتاویوپاز در برلین می‌باشد. در این سخنرانی که سال ۱۹۸۲ ایراد شده است، دیدگاه‌های پاز درباره ادبیات، جنبه‌های ملی و بین‌المللی آثار ادبی و نیز "ادبیات ایدئولوژیک" بازتاب یافته‌اند. پاز چند هفته پیش نیز در یک سخنرانی در مکزیک دیدگاه‌های خود در مورد تحولات جهانی و رویدادهای اروپای شرقی و نیز خطر تعمیم قوانین بازار به هر سه هنر را تشریح نمود. بخشی از این سخنرانی نیز در پایان می‌آید.

پیوستگی یادشده مدام پویا و در حال دگرگونی است.

اما ادبیات فراتر از دستگاهی از روابط خود نوعی تاریخ نیز به‌شمار می‌رود، تاریخی که قلمرو ویژگیها، بده و بستان‌ها و پیش‌بینی نشده‌هاست. به گفته دیگر ادبیات تاریخی است در بطن تاریخ بزرگتری که تمدن، زبان و یا جامعه نام دارد. اما تعاریف گوناگون درباره تاریخ به رقم اتکا به عواملی همچون شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک باز هم توضیح‌دهنده کامل و آفرینش‌های ادبی نیستند. زیرا در هر اثر هنری نوعی ویژگی یافت می‌شود که لزوماً با شرایط مشخص تاریخی قابل توضیح نیست. ادبیات آمریکای لاتین نیز از این قاعده مستثنی نیست. این ادبیات در متن و همراه با تاریخ خلق‌های ما پدید آمده است، اما روند فراگشت آن تنها با تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تبیین پذیر نیست، زیرا که برای نمونه تأثیر سنن ادبی دیگران بر ادبیات ما بعضاً فزونتر از تأثیر شرایط اجتماعی بوده است به‌رغم تفاوت آشکار میان جامعه آمریکای شمالی و جوامع آمریکای لاتین، یک ویژگی بارز ادبیات آنها را به هم پیوند می‌دهد و آن هم بهره‌گیری از زبان‌های اروپایی است که در قاره آمریکا شاخ و برگ گسترده‌اند. اهالی آمریکای شمالی انگلیسی‌زبانند، برزیلیها زبان پرتغالی دارند و سایر کشورهای آمریکای لاتین به اسپانیولی سخن می‌گویند و این هر سه زبان چنانکه می‌دانیم اصل و نسب اروپایی دارند. همین ویژگی ادبیات آمریکارا بیشتر از شرایط اقتصادی و یا تحولات سیاسی و تکنولوژیک متأثر ساخته است. سرآمدان ادبیات ایالات متحده، برزیل و ادبیات آمریکای لاتین از ابتدا بر آن بودند که به‌رغم بهره‌گیری از زبان‌های اروپایی وابستگی یکجانبه خود را با ادبیات انگلیس، پرتغالی و اسپانیا بگسلند. آنها در این راه به تلاش دوگانه‌ای دست زدند، از یک سو تلاش کردند که به سبک‌های رایج ادبی در اروپا رنگ و بوی خودی بزنند و از سوی دیگر کوشش خود را بر بیان جنبه‌های گوناگون زندگی انسان‌های آمریکایی نهادند. این تلاش دوگانه به بر نشست و به کامیابی انجامید.

فیلیپ رآو، منتقد آمریکایی، با اشاره به همین روند می‌گوید: "ادبیات آمریکای شمالی سبک بومی و

کمیته ادبی نوبل جایزه امسال خود را به اکتاویوپاز شاعر ۷۶ ساله مکزیک اعطا کرد. پاز که سال ۱۹۵۰ با انتشار کتاب "غلاف تنهایی" از هادی جهانی یافت، فرزند یک وکیل می‌باشد و در نته‌های فلسفه، حقوق و ادبیات تحصیل کرده است. در پندار و اتوپیایی سیاسی من همه ما خوشبخت ستیم، لیکن همه ما دسته‌کم مسئولیم. "این جمله واقع فشرده اندیشه اکتاویوپاز است که در غلاف تنهایی "پیوسته بازگو می‌شود. پاز در غالب ن کلمات مشکل خود و مدرنیست‌های دیگر را در خورد با مفهوم "واقعیت" به نمایش می‌گذارد. ن در سخنرانی سال ۱۹۸۷ خود یادآور شد که: امروز هم‌همچون دیروز موقعیت دگرگون رنده، اندیشه‌ها نسبی و واقعیت‌ها ناخالص و بر اسیل‌اند."

پاز در سال ۱۹۴۵ به خدمت وزارت خارجه نزدیک درآمد و در سمت دیپلمات روانه فرانسه شد. ن در آنجا با سورنالیست‌های فرانسوی تماس گرفت و لحاظ اندیشگی و سبک ادبی از آنها متأثر شده گامی که پاز شهر رانه به عنوان ابراز بیان و ارتباط نه به عنوان تجربه‌ای درونی توصیف می‌کند، واقع تأثر خود از سورالیست‌ها را به نمایش می‌گذارد. پاز پس از فرانسه مأموریت دیپلماتیک و در ادب کشورهای دیگری همچون سوئیس و ژاپن و ن ادامه داد که اقامت در ژاپن آشنایی وی با شعر و ر چین و ژاپن را در پی داشت. پاز فشرده‌گویی اهران چینی و صرغه جویی آنها در کاربرد واژه‌ها را ی ستاید و بر آن است که ناگفته‌ها در شعر به اندازه نته‌ها مهم و بارز رند. سرانجام در سال ۱۹۶۸ پاز عنوان اعتراض به سرکوب خوئین جنبش دانشجویی ر مکزیک از سفارت هند کناره گرفت و به ریکارکت. سه سال پس از اقامت در آمریکا وی به نزدیک بازگشت و هنوز هم در آنجا به سر می‌برد.

پیوند میان ادبیات و تعیبات هزار تو پیوندی پیچیده است. آثار ادبی که سیله نویسندگان آفریده می‌شوند، از سوی ناشران ش شده و خوانندگان و ارزیابان آنها را خوانده، به ن و یا به فراموشی می‌سپارند. همه این عوامل که حیات ادبی جامعه نقش بازی می‌کنند با یکدیگر وند و بر یکدیگر تأثیری متقابل دارند. اثری که به مه نویسنده‌ای پدید می‌آید، توسط خواننده دوباره آفرینی می‌شود. یعنی خواننده با پذیرا شدن و یا ن زدن آن پندارها، گرایشها و سلوک خود را صیقل ده و به این یا آن اندازه دگرگون می‌شود. خورد و واکنش‌های خوانندگان نسبت به اثر نیز نوبه خود نویسنده را متأثر می‌سازند. از این رو بیات شبکه‌ای از پیوستگی‌ها و یا دستگاهی از رابط است که در آن پیام‌ها و یافته‌ها رد و بدل می‌شوند و نویسنده و خواننده در آن در تأثیر و نندی متقابل قرار دارند. باید افزود که این دستگاه بوسته، پویا و پرجنبش است. انتشار یک اثر نو، ایگاه و ارزش آثار پیش از خود را دگرگون می‌کند. یدگاه‌ها و اندیشه‌های خوانندگان نیز با خواندن آثار ختلف پیوسته دستخوش دگرگونی و فراگشت ی‌باشند. هر خواننده اگرچه گرایش‌ها و یدگاه‌هایش برخاسته از زمینه اجتماعی، تربیت، ن و سال و محیط‌وی می‌باشند، اما وی به هر حال سانی خودویژه است که هیچگاه ثابت و بی‌تحول می‌ماند و از این رو پسند و گرایش‌های امروز وی مان پسند و گرایش‌های دیروز او نیستند. این حکم م درباره نویسنده و هم درباره کتاب‌ها و آثار ادبی همیم‌پذیر است. اگرچه ساختارگرایان در نقدهای ویش وجود عناصر مشترکی را در همه سبک‌های نبی باز نموده‌اند، اما تردیدی نیست که هر اثر رسته ویژگی خاص خود را داراست و تأثیراتش نیز گانه و خودویژه است. گیرم که آثاری همچون ر دیسه: آژنسیس و یالوزیان در ساختار و سبک درونی بود همان باشند، اما هر کدام از آنها حال و هوای یگری دارد و احساس دیگری به انسان می‌بخشد. ری، ادبیات نوعی پیوستگی میان واقعیات متحول تکرار ناپذیر به نام‌های نویسنده، اثر و خواننده است ه با چند مفهوم و فرمول خشک نمی‌توان آن را هریف و تبیین نمود، زیرا همانگونه که گفته شد



پیرامون دموکراسی و براندازی

به نظر من اختلاف سیاسی بین کسانی که انتقاد را به هدف اقدام هر چه بیشتر نیروهای سیاسی بکار می‌برند و کسانی که از انتقاد هدفی جز طرد طیف یا طیف‌های از صحنه سیاسی ندارند از درک‌های مختلف ناشی می‌شود. روشن است که در اینجا روی صحبت ما با طرفداران دموکراسی است و نه با آن افراد و نیروهایی که آگاهانه هنوز نوعی دیکتاتوری را راه نجات ایران می‌دانند. هیچ پروژه‌های اجتماعی نمی‌تواند بدون پشتیبانی نیروی اجتماعی در جامعه استوار بماند. اما اگر پروژه‌های دیکتاتوری و خبیث‌گرایانه (الیتست) به پشتیبانی یک قشر و یا طبقه بیشتر نیازی ندارند، دموکراسی محتاج پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه است. دموکراسی بدون پشتیبانی اکثریت اقشار و طبقات یک جامعه که بواسطه ناهماهنگی صنفی و سیاسی خویش در سیاست شرکت می‌کنند، حتی اگر همچون اتفاقی تاریخی بوقوع بپیوندد، دیرپا نخواهد بود. کسانی که از انتقاد بعنوان سلاح طرد سایر نیروهای اجتماعی استفاده می‌کنند، هنوز در نیافته‌اند که دموکراسی نتیجه مبارزه یک طیف یا نیرو (هر چقدر هم که خالصانه و مخلصانه دموکرات باشد) نیست بلکه نتیجه یکپار گروه‌های متعددی است که همگی برای مبارزه در راه اهداف اجتماعی که برگزیده‌اند از دموکراسی بعنوان فضای تنفس و رشد خویش دفاع می‌کنند.

پس شکست یک سازمان در روند تمایلش به سمت دموکراسی به معنای تضعیف دموکراسی است و اولی سازمان‌هایی که از این تضعیف آسیب خواهند دید، دقیقاً آنهاست هستند که جز در یک چنین چارچوبی امکان فعالیت سیاسی ندارند. از این رو زمانی که در یکی از طیف‌های سیاسی ایران با سستی استبدادی، گرایشی و تمایلی به پذیرش دموکراسی نشان می‌دهد، هرگونه برخورد انتقادی از جانب طیف‌های سابقه سیاسی دموکراتیک جز برای تحکیم این گرایش نباید هدف دیگری را دنبال کند. به عنوان مثال در نقد و ارزیابی گرایش دموکراتیکی که در سلطنت‌طلبان بوجود آمده است جمهوریخواهان ملی ایران بارها به لزوم و اهمیت سازماندهی در این طیف، نقد گذشته استبدادی، طرد عوامل افراطی و... اشاره کردند. هدف این انتقادات یادآوری این واقعیت است که اگر میانجی‌های نامبرده مهیا نشوند، تغییر شرایط جهانی، تغییر توازن نیروهای اجتماعی، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی

در نشریه جمهوریخواهان ملی مقاله‌ای با عنوان نکاتی پیرامون دموکراسی و براندازی بقلم آقای احمد میرداماد درج گردیده است. در این مقاله منجمله رابطه نیروهای سیاسی و نحوه برخورد آنها با یکدیگر مورد بحث قرار گرفته و آمده است: "گفتگوها، مناظره‌ها و بحث‌های شفاهی و قلمی که از چند سال پیش بین طیف‌های سیاسی ایران آغاز شده است آرام آرام سمت و سوی روشنی پیدا می‌کند. اختصاص بخش مهمی از این گفتگوها به چگونگی فراهم آوردن زمینه استقرار دموکراسی در ایران، بازتاب این واقعیت است که هر روز به تعداد گریه‌ها و هتاهائی که دموکراسی را حکومتی مطلوب برای ایران می‌دانند افزوده می‌شود." احمد میرداماد دوران کنونی را دورانی جدیدی در سیاست ایران دانسته و معتقد است که راه حل مشکلات این دوران همین بحث‌ها و مناظره‌هاست. "حاصل بحث‌هایی که تاکنون انجام شده را می‌توان در شکل‌گیری دو بینش کاملاً مجزا از دموکراسی و نیز دو راه حل سیاسی برای تدارک استقرار آن در ایران مشاهده کرد.

آنجا که بحث پیرامون نظریه سیاسی است شاید دو شیوه متفاوت در نقد و ارزیابی نظرات هستیم. اولی انتقاد و فاش‌گفتن اختلافات را با امید رفع اشتباهات گذشته طرح می‌کند و از این گفتگو هدفی جز اقدام هر چه بیشتر نیروهای سیاسی در چارچوب دموکراتیک ندارد. اما دومی انتقاد را وسیله‌ای برای طرد حقوقی و حقیقی طیف یا طیف‌هایی از شرکت در تعیین سرنوشت آن کشور به شمار می‌آورد. آنجا که بحث به افعال سیاست‌باز می‌گردد نیز دو راه حل در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند. یکی سرنوشتی یا براندازی را مقدم بر امکان طرح دموکراسی همچون پروژه‌های سیاسی و اجتماعی برآورد می‌کند. حال آنکه دومی امکان موقعیت پروژه دموکراسی را در پیوند با وسعت شرکت طیف‌های مختلف سیاسی در تعیین سرنوشت آینده کشور می‌بیند. پس بر این نظر است که همین امروز باید کاری کرد تا رودرروئی اجتناب‌ناپذیر نیروهای سیاسی ایران در چارچوب حقوقی معینی صورت پذیرد. اولی امروز و اکنون سرنوشتی می‌خواهد به امید آنکه در فردای آن انتخابات آزاد را برقرار کند. دومی انتخابات آزاد می‌خواهد زیر این نظر است که تغییرات آرام و تعویض قانونی قوانین یگانه شایس‌کشوری مانند ایران برای رسیدن به دموکراسی است.

گردهمائی پیرامون بررسی امکان انتخابات آزاد

– آقای دکتر حسن کیانزاد نماینده همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی اظهار داشت: جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی نه تنها با طرح شعار انتخابات آزاد هیچگونه ندارد بلکه بر این باور است که اگر همه گروه‌ها و سازمانها و شخصیت‌های اپوزیسیون اصول دموکراسی و از آن جمله پلوی سیاسی را پذیرفته باشند برای رسیدن به این هیچ راهی جز انجام یک انتخابات آزاد یعنی اراده آزاد مردم ایران وجود ندارد. اما تحقق این بنیادی هنگامی میسر می‌شود که در پشت انتخابات آزاد اهرمی توانمند از نیروهای من یکپارچه و به هم پیوسته همه آزادیخواهان دوست در طیف گسترده خود قرار گرفته بتوانند با کنش‌های مداوم و شبانه‌روزی خودآر و حرکت ویژه دینامیکی را به وجود آورند که رادربرابرخواست مردم ایران به تمکین و وادار کند.

– آقای دکتر علی هینی نماینده شورای مردم‌فردان پادشاهی مشروطه منجمله اظهار داشت: شعار انتخابات آزاد هر چند در برنامه تبلیغاتی اپوزیسیون قرار گیرد و نشانگر روحیه جدید اپوزیسیون و واقع سیاسی او باشد باز به دلیل جوهر و واقعیت‌های اسلامی یک شعار جامع کامل نیست. بر دسیا، محدود و جنبه‌های استراتژیک آن ضعیف انتخابات آزاد با در نظر گرفتن ماهیت اسلامی و ولایت فقیه اش که ماهیت آن برا روشن است استراتژی نیست بلکه شعار است این شعار با گزینش یک استراتژی شایسته همراه آنگاه نقش پر از خواهد بود.

– خانم مهین ارجمند نماینده ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران منجمله طرح کرد وضع اقتصادی و اجتماعی ایران کنونی دموکراسی است. اقتصاد انحصار در دست دولت، انسانی که از فقر فقر و استیصال کلیه می‌فروشد چگونه امکان دارد که رای خود را از حکومتی که تادندان برای سرکوب ملت خواست و از حکومتی که خود را محقق میداد رنگ لباس مردم دخالت کند چگونه انتظار بر آن انتخابات آزاد میتوان داشت.

جنبه ملی ایران و سازمان سوسیالیست ایران در جمعیت این میزگرد اظهار داشتند: نظرات و نتیجه‌گیری نمایندگان سازمان شرکت کننده در میزگرد نسبت به موضوع مورد متفاوت بود. این نظرات را میتوان بصورت تقسیم‌بندی کرد:

۱- برخی بر این نظر بودند که اگر چه انتخابات آزاد هیچگونه مخالفتی ندارند. اما تا که رژیم جمهوری اسلامی در ایران وجود و نیروهای اپوزیسیون بطور پراکنده عمل، طرح شعار انتخابات آزاد بی‌فایده است.

طرح این شعار از سوی نیروهای مخالف به رسمیت شناختن رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد. در مرحله فعلی سرنوشتی رژیم با دستور کار نیروهای مخالف باشد.

۲- عده‌ای شعار انتخابات آزاد را در مرحله، شعاری صحیح ارزیابی کردند و معتقد بودند که شعار باید بعنوان شعار محوری نیروهای ایران در دستور کار قرار گیرد. نیروهای نباید با آن برخوردی تاکتیکی داشته باشند بلکه آن بصورت استراتژیک برخورد کنند و برپای شعار مسئله همکاری و ائتلاف نیروهای مخالف رژیم را مطرح می‌کردند.

۳- نظریه دیگری مطرح بود که شعار انت آزاد در مرحله فعلی میتواند بصورت تاکتیک دستور کار نیروهای مخالف رژیم قرار گیرد. توجیه داشت که بخاطر حکومت ترور جیه اسلامی در ایران این یک شعار بیش نیست نه جامع و کامل و به هیچ وجه نمیتواند به استراتژیک مطرح باشد. اول باید جامعه از استبداد ویرانگر حکومت مذهبی آزاد شود آنگاه چارچوب موازین دموکراتیک به انجام انتخابات دست زد.

۴- نظریه عده‌ای دیگر را میتوان به این جمع‌بندی کرد که دموکراتیزه کردن جامعه با دستور کار نیروهای سیاسی مخالف رژیم ولایت قرار گیرد. بدین منظور این شعار باید هم از تاکتیکی و هم استراتژیک جزء وظایف نیرو دموکرات جامعه باشد اما با توجه به وضع استبداد و ولایت فقیه در ایران این شعار بتهنایی نباشد شعاری کامل باشد باید توجه داشت که تحقق این به پیش شرط‌هایی احتیاج دارد.

در روزهای هفتم و هشتم مهرماه جلسه بحثی در شهر ماینس آلمان بعنوان "بررسی امکان انتخابات آزاد در ایران" بدهوت جبهه ملی ایران در اروپا و سازمان سوسیالیست‌های ایران برگزار گردید. در این اجلاس نمایندگان جبهه ملی ایران در اروپا، سازمان سوسیالیست‌های ایران، حزب دموکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، نهضت مقاومت ملی، جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی، شورای هماهنگی طرفداران پادشاهی مشروطه و جنبش ۲۱ اردیبهشت ماه زنان ایران شرکت داشتند.

– آقای دکتر علی راسخ افشارنماینده جبهه ملی ایران در اروپا اظهار داشت: شعار انتخابات آزاد میتواند در این مقطع راه گشا باشد با توجه به رویدادهای کشورهای اروپای شرقی و اتحادشوروی و با توجه به رویدادهای شیلی، پاکستان، نیکاراگوئه و فیلیپین میتوان نتیجه گرفت که در ایران هم شاید بتوان از این طریق رژیم جمهوری اسلامی را در مرحله اول تعدیل کرد و به درون آن نفوذ یافت و در مرحله دوم رفته رفته حاکمیت ملی را استوار نمود. پارلمان و انتخابات پارلمانی بصورت سمبل دموکراسی و حاکمیت ملی از چنان جایگاهی در قرن اخیر برخوردار است که حتی خشن‌ترین دیکتاتورها هم مجبور بوده‌اند وجود این نهاد را در جامعه خود تحمل کنند.

– آقای عبدالرضا کریمی نماینده حزب دموکرات ایران در سخنان خود منجمله مطرح کرد: انتخابات آزاد اصول دموکراسی است. اما اینکه از جمهوری اسلامی انتظار عقب نشینی در رابطه با انتخابات آزاد را داشته باشیم، توهمی بیش نیست و در حال حاضر اپوزیسیون ایران در شرایط تحمیل آن به جمهوری اسلامی نمی‌باشد.

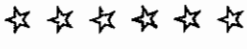
بعنوان شیوه‌ای از مبارزه، شعار انتخابات آزاد میتواند وسیله‌ای باشد که آزادی فعالیت احزاب پیش شرط آن بشود. در غیر اینصورت به عنوان یک شعار استراتژیک خوش خیالی خواهد بود. در شرایط دموکراتیک و آزاد، انتخابات با رعایت اکثریت نسبی رای مردم هیچ مغایرتی با سیاست‌های اصولی حزب ما ندارد. مساله دموکراسی را بصورت یک امر کلی مطرح کردن یک سنسپله است. بنظر ما تمرکز زدایی اصل مهم در تحقق آزادی و دموکراسی در ایران آینده است. باید نهادهای مهارکننده و مانع مرکز قدرت که دموکراسی را تضمین میکنند، در میان خلق‌های ایران ایجاد گردد.

– آقای حسن نصیریان نماینده حزب دموکراتیک مردم ایران در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: در شرایطی که هیچ‌گونه امکان رفم و اصلاحات جدی سیاسی و اجتماعی فراهم نیست، چنین رژیمی را نمیتوان با استفاده از موازین دموکراتیک ناموجود و با تکیه بر آرا مردم که امکان ابراز آزادانه رای خود را ندارند تغییر داد.

بر اساس نظریات حزب دموکراتیک مردم ایران شعار انتخابات آزاد بعنوان محور اصلی و بجای اصل سرنوشتی رژیم نمی‌تواند قابل قبول قرار گیرد. چون در نظام حاکم جمهوری اسلامی اصولاً امکان انتخابات آزاد نمی‌تواند وجود داشته باشد. رژیمی که کلیه نهادها و دستگاهها را در دست داشته و با اسباب زور، رعب و وحشت و اختناق حکومت میکند، امکان انتخابات آزاد حتی با وجود دخالت سازمان‌های بین‌المللی نمیتواند عملی گردد. آلترناتیو در مقابل جمهوری اسلامی ائتلاف وسیع ملی توسط نیروهای دموکرات و معتقد به اصول آزادی و دموکراسی و رعایت حقوق بشر میباشد و در این برهه شعار انتخابات آزاد کاری مستمر از پیش نخواهد برد.

– نماینده نهضت مقاومت ملی ایران اظهار داشت: یک نیروی سیاسی نباید امکان مبارزه را از قبل رو کند و نه اینکه بدون در نظر گرفتن همه جوانب آنرا مطلق نماید و تنه‌ا راه ممکن بداند. بنابراین لازم است که یک نیروی سیاسی اشکالات قانون اساسی جمهوری اسلامی را با تبلیغات وسیع نشان دهد و نمایان سازد که در چارچوب شرایط و قانون امروز ایران انتخابات آزاد مجلس جمهوری اسلامی ممکن و درست نیست. ضمناً برگزاری انتخابات آزاد شرایطی را میخواهد که اگر رژیم جمهوری اسلامی آن شرایط را یعنی بعنوان مثال آزادی حزب، امکان مبارزه علنی و تبلیغ سیاسی علنی و آزادی مطبوعات و... را بپذیرد بسیاری از مواد اصلی قانون اساسی خود را زیر پا گذاشته است. پس نیروهای اپوزیسیون میتوانند در یک دوره مبارزه علنی و آزاد مسائل و نقطه نظرات خود را مطرح کنند و نیروهای موثف بایک برنامه سیاسی دموکراتیک به پای انتخابات بروند.

انتخابات آزاد راه رسیدن به دموکراسی و آزادی و شیوه مبارزه را تعیین میکند.



مصاحبه اشپگل با الکساندر یاکوولف

کوتاه شده

اشپگل: آقای یاکوولف حال رئیس جمهور شما پس از اینکه تمام حقوق ویژه‌ای را که برای خود آرزو می‌کرد، بدست آورد، چگونه است؟

یاکوولف: اختیاراتی را که گارباچف بدست آورد نه به خاطر آزادی شخصی او بلکه بخاطر وضعیت ویژه کشور بود. و پارلمان نیز اینرا بدرستی درک کرده است. باید افزود این حقوق ویژه را گارباچف فقط در دوره پیشبرد در فرم اقتصادی داراست. اشپگل: اینچنین به نظر میرسد که دستورات رئیس جمهور توسط پائینی‌های حزب و دولت اجرا نمی شوند. موقعیت حقوقی رئیس جمهور پیش از این نیز ضعیف نبود.

یاکوولف: نه، از زاویه صرفا حقوقی رئیس جمهور چنین اختیاراتی نداشت. زمانی که مجلس نمایندگان خلق تصمیم به تکمیل قانون اساسی گرفت خود درگیر مبارزه برای کسب حقوق بیشتر در مقابل نمایندگان شورای عالی اتحاد شوروی که از امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند نیز بود.

اشپگل: چه اموری باید تصحیح شوند؟

یاکوولف: این یک ضرورت عینی در جامعه ماست که مسئولیت موسسات و ارگانهای باید با جدیت از یکدیگر تفکیک

شوند. نه تنهایی رئیس جمهور و پارلمان بلکه بین قوای مقننه، مجریه و قضائیه و بالاخره بین حکومت مرکزی و جمهوری ملی مستقل در جامعه ما همه چیز باید جای واقعی خود را پیدا کنند.

اشپگل: برسر هر موضوعی در پارلمان و کمیته مرکزی گارباچف با مقاومت شدیدی روبرو می شود. اما هنگام رای گیری اکثریت قابل توجهی بر سیاست او صحنه می گذارند. این نشانه‌ای از همان تفکر کهنه نیست که علیه بالاترین باید رای داد؟

یاکوولف: نه، اکثریت نمایندگان درک کرده اند که گرفتن تصمیم مشخصی ضروری هستند و به همین خاطر نیز موافقت خود را اعلام می کنند.

علاوه بر این همه موارد پیشنهادی توسط گارباچف با موافقت روبرو نشده اند. بطور نمونه می توان از مخالفت مجلس با تصمیم او مبنی بر اینکه اجازه برپایی تظاهرات در شهر مسکو باید از جانب شورای وزیران صورت گیرد و نه شهردار مسکو.

اشپگل: رفرم اقتصادی باید در ۵۰۰ روز اجرا شود. فکر می کنید این عملی است؟

یاکوولف: بله. اشپگل: خود شما از گسترش لختی و رکود در کشور صحبت کرده اید.

یاکوولف: ۵۰۰ روز کافی

است اگر برنامه گروه شاتالین و رئیس جمهور تصویب شود. اگر پارلمان به برنامه ریشکوف رای دهد، فاصله ۵۰۰ روزه ارزیابی غیر واقعی بنظر می رسد. این نکته نیز قابل ذکر است که افکار عمومی شوروی کنه قضیه را درک نکرده است.

اشپگل: جامعه در آستانه "اگرایی" تصویری است که مردم جهان از اتحاد شوروی می بینند.

یاکوولف: از "اگرایی" صحبتی در میان نیست. اشپگل: می توانید سیستمی را تصور کنید که در آن رئیس جمهور فقط مسئول سیاست خارجی و دفاع باشد و بقیه امور در اختیار جمهوری ها قرار گیرد؟

یاکوولف: جمهوری ها شروع کرده اند حقوقی را که در چارچوب قانون اساسی در اختیار دارند، اجرا کنند. به همین دلیل نه روند "اگرایی" بلکه "همگرایی" (انترگراسیون) پیش می رود و نتیجه آن نیز در مقایسه با امروز "اتحادی" قوی تر خواهد بود.

که مبنای آن جمهوری های مستقل و قدرتمند است. رئیس جمهور سبیل این اتحاد می شود.

اشپگل: ممکن است این سبیل فقط هروسک آلت دست رئیس جمهور بزرگترین ایالت یعنی روسیه باشد؟

یاکوولف: باید. اشپگل: باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه اخیرا نوهی تقسیم کار با گارباچف را تکذیب کرد. یلتسین بیان کرد که به تیم گارباچف تعلق ندارد.

یاکوولف: یک مسئله وجود دارد. اما راه حل آنجایی نیست که در گفتگوهای طولانی فعلی دنبال می شود. یک طرف می گوید: قوانین اتحاد بدون استثنا بر قوانین جمهوری ها ارجحیت دارند. طرف دیگری گوید: قوانین جمهوری ها بدون استثنا بر قوانین اتحاد ارجح هستند. هر دو استدلال به یک اندازه بی معنایند. بیش از هر چیز باید مرز بین هر صدهای مختلف مشخص شود. ارجحیت هر قانونی در هر صده خاص خود مشخص می شود. اشپگل: بعنوان یک روس، ارزیابی شما از جنبش شوروی نیستی جدید در روسیه چیست؟

یاکوولف: تنفر انگیز است. اشپگل: اخیرا در خیابانهای شهر مسکو ارتدکس های مذهبی تظاهراتی برای انداختن و هکس تزار را نیز حمل می کردند. آیا تزار است ها امکان فرار و پیدین به یک جنبش جدی را دارند؟

یاکوولف: دیوانه همه جای جهان پیدامی شود. اشپگل: شما گفته بودید که پرسترویکا تازه شروع شده است. پنج سال از آغاز پرسترویکا می گذرد. برای آغاز این مدت طولانی نیست؟

یاکوولف: من گفته بودم که پرسترویکا در مفهوم ویژه‌ای "تازه آغاز شده است". پنج سال سپری شده برای دوره آماده سازی رفرم ها که در آن گرفتن

تصمیم مشخصی با اهداف اولاً دگرگونی سیستم سیاسی ثانيا تغییر ساختار اقتصادی، ضروری بود. ضروری بودند. اشپگل: بسیاری از هموطنان شما معتقدند پرسترویکا فقط برای روشنفکران دستاورد داشته است و توده مردم از آن نفعی نبرده اند. چه جوابی به آنها می دهید.

یاکوولف: به آنها حق می دهم. اشپگل: اما مردم از انتظار نیز خسته اند. یاکوولف: من نیز با شما هم نظر. البته ما زمان زیادی در اختیار نداریم! معذالک نباید پیرامون کمبودها فراموش کرد که بیش از نیمی از مواد غذایی توسط موسسات تولیدی تحویل داده می شوند. بسیاری از موسسات یاد گرفته اند مواد غذایی را مستقیما به فروش برسانند.

اشپگل: پس چرا صف های طولیل هنوز برقرارند؟ یاکوولف: از خالی بودن مغاز ها بیش از همه باز نشستگان، اطباء و کارمندان رنج می برند و طبعا نیز ناراضی و مضطربند. چندی پیش من پیشنهاد دادم که سهم دریافتی آنها با سهم کارکنان موسسات تولیدی یکی شود.

اشپگل: وضع فاجعه بار تقسیم مواد غذایی از چه چیزی ناشی می شود؟ تحرکات دستگاه تجاری؟

یاکوولف: دقیقا همین است. اشپگل: در چه سطحی صورت می گیرد.

یاکوولف: اگر ما اطلاعات دقیقی از وسعت آن داشتیم قطعا مقابله می کردیم. ما وسعت واقعی آنرا نمی دانیم و از اینکه چه کسانی نیز دست به این اقدامات می زنند نیز مطلع نیستیم. اشپگل: شما چه جوابی به سرخهای محافظه کار می دهید که می گویند در صورت موافقت گارباچف و یاکوولف با برنامه شاتالین بساط کمونیسم بر چیده می شود.

یاکوولف: اگر ما بتوانیم برنامه شاتالین را اجرا بکنیم کمونیسم قوی تر خواهد شد. این جواب من به آنهاست. علاوه بر این باید بگویم که به اینگونه "ترمینولوژی" علاقه ندارم. مهمتر از هر چیزی برای من این است که انسانها بهتر زندگی کنند و اگر بتوانند بهتر زندگی کنند برای آنها سوال نیست و چهارم خواهد بود که در کمونیسم زندگی کنند یا چیزی دیگر.

اشپگل: معذالک، موسسات دولتی خصوصی می شوند! امری که شما قصد پیش برد آن را دارید کمونیستی نیست.

یاکوولف: چرانیست؟ اشپگل: بخاطر اینکه تحت تاثیر بازار سرمایه داری است.

یاکوولف: چه کسی چنین ادعایی می کند. اشپگل: تئوریسین های سرمایه داری و سوسیالیسم. یاکوولف: بازار اما در دوره برده داری و فئودالیسم نیز وجود داشته است.

نظرات اکتاویو پاز پیرامون ادبیات و جهان سیاست

بقیه از صفحه ۵

دور حاصل مجموعه آثاری است که مضمون هر کدام از آنها در زمانگان مشخصی جریان می یابد و سبک و شیوه ویژه‌ای هم در آنها به کار گرفته شده است. اما هنر امروز برآمد همگرایی ها و در هم آمیزی زمانه های متفاوت و سبک و شیوه های گوناگون است. در زمینه نگارش به رابطه ادبیات و تاریخ نیز پایان این سده دورانی چرخشی خواهد بود. زیرا ما به این درک می رسیم که تاریخ برگ سفید و سیاهی بی لکی است که آراستن آن با خصائل و ویژگی های انسانی برترین و طلیفه شاعران و نویسندگان است. ادبیاتی که از این رهگذر پدید می آید بر تاریخ چشم نخواهد بست، ولی از ساده نگری های هنر ایدئولوژیک و فنی و تاییدهای جز می حذر خواهد کرد. این ادبیات به جای تکیه بر یقین و ایمان به راه پرش و کاوش می رود و شعری که پدید می آید نه راهنما، بلکه راهجو خواهد بود. این ادبیات بتها و نشانه ها را فرو می ریزد و انسان را در برابر هلاکتی می نهد که از آغاز تاکنون با آن مواجه بوده است. هلاکت سوال.

این علامت را چه هنر مند آمریکای لاتین رسم کند و چه هنر مندی از دیار دیگر، بهر رو معنا و بازتابی جهانی می یابد. * * بخشی از سخنرانی اکتاویو پاز درباره رابطه آزادی و هنر و خطر گسترش قوانین بازار به هر صده هنر. این سخنرانی چندی پیش در مکزیک و در کنفرانسی تحت عنوان "سده بیستم و تجربه آزادی" ایراد شده است:

ادبیات نوین در سده هجدهم پدید آمد و به مقابله و ستیز استبداد دولتی و امر و نهی کلیساها مواجه گشت. در سده نوزدهم ادبیات آزاد رشد و

هنر بین الملل: افزایش جنایات "جوخه های مرگ" السالوادور

به گزارش سازمان هنر بین المل، ظرف هفت ماه نخست سال جاری شمار قتل هایی که توسط "جوخه های مرگ" در السالوادور صورت گرفته اند، به نحو محسوسی افزایش نشان می دهد. "جوخه های مرگ" عنوان گروه های جنایتکاری است که با ارتش السالوادور در ارتباطند و از سالها پیش دست به ترور فعالان سیاسی چپ می زنند. گزارش هنر بین الملل می افزاید مجموعه اطلاعات بدست آمده در سال های اخیر، از جمله

به گزارش های شاهدان عینی که قتل ارتشی بوده اند، به روشنی نشان می دهد که مسئولان این قتل ها با نیروهای مسلح ارتباط دارند. در بیانیه هنر بین الملل آمده است نقض حقوق بشر در السالوادور که دولت راستگرایان افراطی بر آن حاکم است، اغلب به این بهانه صورت می گیرد که قربانیان با سازمان چریکی فارابوندو مارتی ارتباط داشته اند. هنر بین الملل در گزارش خود نسبت به "نقض حقوق بشر توسط فارابوندو مارتی" نیز اظهار "نگرانی" کرده است

ماندلا آماده ملاقات با بوتلزی است

روز دوشنبه ۲۲ اکتبر کنگره ملی آفریقا (ای.ان.سی) پس از ماهها خودداری از انجام مذاکره با جنبش راستگرای اینکاتا در آفریقای جنوبی، برای انجام چنین گفتگویی اعلام آمادگی کرد. طبق بیانیه ای.ان.سی، قرار است ملاقات میان تلسون ماندلا معاون رئیس ای.ان.سی و مانگوسوتوبوتلزی رهبر قبیله زولو و جنبش اینکاتا به زودی صورت گیرد.

ماندلا هفته گذشته در جریان دیداری از استرالیا آغاز مجدد درگیری های قومی در

آفریقای جنوبی را تکذیب کرد و گفت مسئولیت ناآرامی های خونین در کشورش نه بر عهده اقوام و قبایل، بلکه متوجه "جوخه های مرگ" راستگرا در پلیس و ارتش است. وی افزود مدارک و شهادت هایی در باره دخالت دولت آفریقای جنوبی در ناآرامی ها به دولت استرالیا ارائه داده است. همچنین تلویزیون آلمان گزارش داد ارتش آفریقای جنوبی اعضای جنبش اینکاتا را برای دامن زدن به درگیری ها آموزش داده است. این گزارش به نقل از یک عضو سابق جنبش اینکاتا حاکی

بحران دولت هند

پارلمان هند ۸۶ کرسی دارد، به همراه کمونیست ها که ۴۳ نماینده پارلمان دارند، تاکنون از دولت اقلیت سینگ حمایت می کرد. از ۵۴ کرسی مجلس نمایندگان هند، احزاب حاکم متحد در "جبهه ملی" تنها ۱۴۴ کرسی در اختیار دارند.

حزب بهاراتیا جاناتا قلا به دولت سینگ هشدار داده بود که مانع از ساختن معبد هندوها در مکانی که هم برای آنها و هم برای مسلمانان مقدس است، نشود. برای ساختن این معبد، طی ماه های اخیر هندوها نیروی زیادی بسیج کرده اند. نخست وزیر هند روز ۲۲ اکتبر در

اختلاف بر سر ساختن یک معبد هندوها در شهر مقدس آیودای هند، هفته گذشته جدت یافت و دولت اقلیت ویشوانات پراتاپ سینگ نخست وزیر این کشور را در آستانه سقوط قرار داد. لال کریشنا آدوانی، رهبر حزب هندویی بهاراتیا جاناتا روز سه شنبه ۲۳ اکتبر در حالی که هازم آیودیا بود دستگیر شد. بدنبال این بازداشت، حزب بهاراتیا جاناتا اعلام کرد دیگر از کابینه سینگ که ده ماه است حکومت می کند، حمایت نخواهد کرد. با این حال نخست وزیر هند گفت که قصد استعفا ندارد.

حزب بهاراتیا جاناتا که در

سخنگوی وزرات خارجه آمریکا گفت تنها زمانی می توان درباره تدابیر خلع سلاح مذاکره کرد که چریک های فارابوندو مارتی به روشنی از پیشرفت در مذاکرات صلح حمایت کنند. ظرف ده سال گذشته آمریکا بیش از یک میلیارد دلار به السالوادور کمک نظامی داده است.

و در این مورد، به عنوان مثال آدم ربایی و اعدام را آورده است. دولت آمریکا کاهش کمک نظامی به السالوادور را که به تصویب کنگره ایالت متحده رسید، مورد انتقاد قرار داد. اما هنوز معلوم نیست جرج بوش تصمیم کنگره را و تو خواهد کرد یا نه. مارگارت تئوایلر

بحران بودجه آمریکا لاینحل مانده است

کنگره آمریکا تا اواسط هفته گذشته هنوز نتوانسته بود در مورد طرحی برای پایان دادن به بحران چند هفته‌ای بودجه دولت فدرال، به توافق برسد. هلیرفم توافق کلی روسای دو فراکسیون کنگره در مورد نحوه کاستن از کسری بودجه، بسیاری از نمایندگان کنگره از هر دو حزب با طرح تهیه شده مخالفتند. این طرح از جمله شامل افزایش مالیات بر درآمدهای بالاست. چهارشنبه گذشته مدت اعتبار یک بودجه موقت به امور مالی را برای مدت کوتاهی سرو سامان داده بود، به سر رسید. رییس کمیته بودجه مجلس نمایندگان آمریکا گفت که برای ادامه مذاکرات

تلاش می‌کند. جرج بوش رییس جمهوری در یک گردهمایی برای انتخابات کنگره که دو هفته بعد برگزار خواهد شد، اظهار داشت که "عدم توانایی کنگره" او را دچار یاس کرده است. وی گفت اگر تا پایان موعد مقرر طرح قابل قبولی برای بودجه آماده نشود، نمی‌داند چکار باید بکند. در این صورت، رییس جمهور یا باید قانون موقت سومی امضا کند و یا به قطع کلی همه هزینه‌ها تن دهد. مذاکرات بودجه آمریکا به این هلت دشوار است که در مجلس نمایندگان و مجلس سنا آمریکا حزب دمکرات اکثریت دارد. طرح مورد توافق روسای دو

فراکسیون، پیش بینی می‌کند که حداکثر نرخ مالیات بر درآمد، از ۲۸ به ۳۱ درصد افزایش یابد، بر بنزین به مقدار پنج سنت برای هر گالن (۳/۸ لیتر) افزوده شود، عوارض برخی مشروبات الکلی، دخانیات و کالاهای لوکس بالاتر رود و حق عضویت در بیمه درمانی دولتی بیش از دو برابر شود. بدین ترتیب باید در سال مالی ۱۹۹۰-۹۱، نخستین گام در برنامه صرفه جویی در بودجه دولت آمریکا برداشته شود. این برنامه که رئیس آن به تصویب رسیده است، هدف کاستن ۵۰۰ میلیارد دلار از کسری بودجه ایالات متحده تا سال ۱۹۹۶ را دنبال می‌کند.

جرج بوش رئیس جمهور آمریکا یک طرح قانونی برای تأمین امکانات برابر برای همه شهروندان در بازار کار را تو کرد. وی در توجیه مخالفت خود با قانون مصوب اکثریت نیرومند کنگره اظهار داشت مقررات وضع شده تا آن حد سخت است که هلیرفم نیت نیک آن، در عمل به تأثیر بر عکس خواهد انجامید. ناظران احتمال نمی‌دهند که در کنگره، اکثریت دوسوم لازم برای بی‌اثر کردن وتوی بوش شکل بگیرد.

رئیس جمهور ایالات متحده اظهار داشت وضع مقرراتی بدین دشواری به این امر خواهد انجامید که کارفرمایان با برقراری یک نظام سهمیه بندی در استخدام و ارتقای وابستگان به گروه‌های مختلف نژادی، در مقابله با هر شکایت رهايت سهمیه‌ها را مطرح خواهند کرد. بوش افزوده است از این طریق، برابری امکانات گسترش نخواهد یافت بلکه از بین خواهد رفت. وی از کنگره خواست تا پیش از پایان دوره قانون گذاری جاری که احتمالاً این هفته خاتمه می‌یابد، طرح پیشنهادی رئیس جمهور را که فاند

شورای امنیت: مذاکرات درباره لبنان

صورت گرفت. در بیانیه دولت لبنان آمده است: "ما شگفت زده ایم که مسئله لبنان چگونه در قیاب این کشور، بدون موافقت و بدون اطلاع آن مورد مذاکره قرار می‌گیرد."

گروه شبه نظامی امل به گفته نبیه بری رهبر این گروه بدنبال سرنگونی میشل عون ژنرال شورشی مسیحی آمده است خود را منحل کند. نبیه بری در تلویزیون سوریه گفت گروه وی آماده دادن پاسخ مثبت به فراخوان دولت لبنان برای انحلال گروه‌های شبه نظامی است.

آیا مراسم سالگرد انقلاب اکتبر برگزار خواهد شد؟

جناح باریس یلتسین است، قبل تصمصیم گرفته بود از صرف هزینه برای رژه نظامی خودداری کند. دلیل این تصمصیم، خسارات وارده به خیابانها، آلوده شدن هوا، صرف مقادیر زیادی مواد خام و علاوه بر این، کهنه شدن رسم رژه نظامی به لحاظ سیاسی، اعلام شده بود.

هلیرفم مخالفت شهردار مسکو، پارلمان شوروی در صدد است مراسم سالگرد انقلاب اکتبر را با یک رژه نظامی برگزار کند. نمایندگان پارلمان با ۳۱۲ رای موافق در مقابل ۹ رای مخالف، هیات رئیسه پارلمان را مامور کردند در روز هفتم توامیر رژه معمول هر سال را سازماندهی کند. شهرداری مسکو که مسئولیت آن بر عهده گاوریل پوپوف از

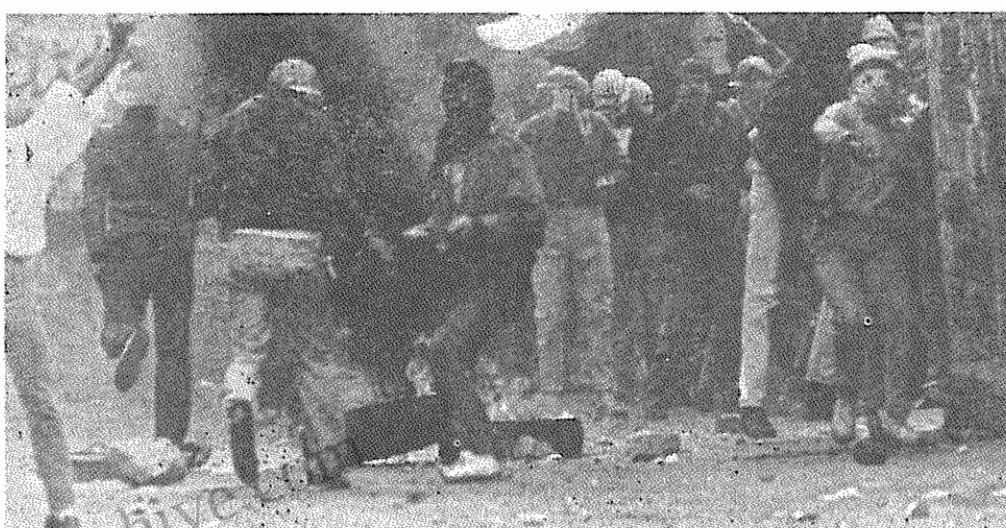
احتمال جیره بندی مواد غذایی در مسکو

هوادران آنها در حزب کمونیست و دستگاه اداری، تا چه حد قدرتمندند. وی افزود: "برخی نیروها نمی‌گذارند محصولات به مردم برسد. آنها با دیکراسی مخالفت می‌خواهند به تشنج در کشور دامن بزنند."

مردم پایتخت شوروی زمستان امسال با جیره بندی مواد غذایی روبرو خواهند شد. به گزارش روزنامه پراودا، هیات رئیسه انجمن شهر مسکو تصمصیم به اتخاذ این تدبیر گرفت. طبق این گزارش، قرار است برای مواد غذایی مهمه، کوپن منتشر شود. پراودا خبر نداده است که کدام مواد غذایی مشمول جیره بندی خواهند شد. این تصمصیم هنوز باید به تایید مجمع عمومی انجمن شهر مسکو در ماه نوامبر برسد.

دولت شوروی می‌خواهد از این پس برای ثبات بخشیدن به وضعیت اقتصادی، با مجازات سنگین به مقابله با بازار سیاه بپردازد. شورای عالی (پارلمان) شوروی، کلیات قانونی را تصمصیم کرد که زندان طولانی برای مبادله غیر قانونی کالا پیش بینی می‌کند. تاس خبرگزاری شوروی گزارش داد حتی برای تخلفات جزئی، تا سه سال زندان و مصادره اموال تعیین شده است. دو تا ده سال اردوگاه کار اجباری در انتظار "بورس بازان" می‌خواهد بود که اموال دولت یا تعاونی‌های مصرف را حیف و میل کنند.

واسیل تروخین معاون وزارت کشور شوروی آماری اعلام کرده است که نشانگر ابعاد بازار سیاه است: از مجموع ۱۱۰۰ قلم کالاهای اساسی، در روز اول اکتبر تنها ۲۰ قلم (یعنی ۱/۸ درصد) در مقایسه با اوضاع معرض فروش بوده است. به عقیده یک نماینده پارلمان شوروی، عامل دشواری‌های توزیع کالا، خرابکاری هستند که



بهانه تشدید اقدامات علیه مردم فلسطینی قرار داده است. در این راستا فراخوان گروه بنیادگرای فلسطینی حماس دایر بر قتل سربازان اسرائیلی و ساکنان شهرک‌های یهودی نشین مناطق اشغالی، زمینه شدت بخشیدن به تضییقات را فراهم کرد.

در حالی که یک سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین در همان پایتخت اردن گفته است که "جنگ چاقوها فقط آغاز یک انفجار عمومی است"، رهبران فلسطینی مقیم مناطق اشغالی اعلام کرده‌اند که حملات با سلاح‌های سرد، اقدامات تومیدانه فردی است.

آلتوسر، فیلسوف فرانسوی در گذشت

آلتوسر را یک بیمار روانی تشخیص دادند و به یک کلینیک در سنت آن فرستادند. هر چند او در سالهای اخیر مرتب اجازه ترک آسایشگاه را می‌یافت، اما دیگر هرگز اظهار نظرهای تئوریک نکرد.



لوئی آلتوسر فیلسوف مشهور فرانسوی روز دوشنبه ۲۲ اکتبر در سن ۷۲ سالگی در گذشت. خبر مرگ آلتوسر در بیمارستانی در نزدیکی پاریس، از سوی دوستان وی اعلام شد. آلتوسر، معروف ترین تئورسین مارکسیست فرانسه بود. وی به ویژه با دو اثر خود "کاپیتال را بخوانیم" (۱۹۶۵) و "برای مارکس" (۱۹۶۵) شهرت یافت. آلتوسر پیرو مکتب استروکتورالیسم بود و تفسیرهای او از آثار کارل مارکس، زیگموند فروید و مائوتسه تونگ توجه زیادی به خود جلب کرد.

آلتوسر که از سال ۱۹۴۸ استاد فلسفه در دانشگاه بود، در همان سال به حزب کمونیست فرانسه پیوست، اما مهمترین آثار او که در دهه ۶۰ انتشار یافت، هیچگاه نظر گاه رسمی حزب را باز تاب نمی‌داد. آلتوسر بر این اعتقاد بود که مارکسیسم حتی پس از ۱۲۰ سال، نظم علمی و فلسفی خود را نیافته است. اثر او بنام "کاپیتال را بخوانیم" تلاشی برای نقد استالینیسم از موضع چپ و بازگشت به "مارکسیسم اصیل" است.

وقتی حزب کمونیست فرانسه در سال ۱۹۷۶ مقوله دیکتاتوری پرولتاریا را از برنامه خود حذف کرد، روند جدایی آلتوسر از حزب آغاز شد. در سال ۱۹۷۸، آلتوسر سلسله مقالاتی در لوموند منتشر کرد و در آن، جدایی خود را از حزب اعلام نمود. وی در همان زمان به یک دوست خود گفت: "نظام فکری من فرو ریخته است. من دیگر نمی‌توانم بیانیدم."

در نوامبر ۱۹۸۰، آلتوسر به حیات خود به عنوان یک فیلسوف مارکسیست پایان داد. ملن، همسر لوئی آلتوسر، بدست شوهرش خفه شد. در یک معاینه

برای اشتراك نشریات «کار» و «اكثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	یک ساله	اروپا	دیگر نقاط
تشریه «کار»	۲۱	۳۱	۱۱ مارك	۱۳ مارك
	۲۲			

بهای اشتراك	شش ماهه	یک ساله	اروپا	دیگر نقاط
تشریه «اكثریت»	۶۲	۷۶	۳۲ مارك	۳۹ مارك
	۱۲۰	۱۵۰		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور	AKSARIYAT NO. 324 MONDAY 29. Oct. 1990
حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY	آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100AACHEN GERMANY